

مقاله پژوهشی

تأثیرپذیری سبک زندگی ساکنان از ویژگی‌های کالبدی نخستین مجتمع‌های بلندمرتبه شهر تهران

سحر لری علیخانی^۱، شروین میرشاهزاده^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۹/۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۲

چکیده

در دهه‌های اخیر، رشد جمعیت، محدودیت زمین درون‌شهری و افزایش بهای مسکن، زمینه‌ساز گسترش بلندمرتبه‌سازی در کلان‌شهرها شده‌اند. در تهران نیز این روند در پی توسعه کالبدی و سیاست‌های فروش تراکم، شدت بیشتری یافته است. پژوهش حاضر با هدف واکاوی تأثیر نخستین مجتمع‌های مسکونی بلندمرتبه بر تحولات سبک زندگی ساکنان در تهران انجام شده است. این پژوهش از رویکرد توصیفی-تحلیلی تاریخی بهره می‌گیرد و در گروه پژوهش‌های کاربردی قرار دارد؛ نمونه‌های موردی شامل مجتمع‌هایی است که در دهه‌های آغازین شکل‌گیری این الگو در تهران احداث شدند و به روش گلوله‌برفی انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها از طریق مطالعات اسنادی، مشاهده میدانی و تحلیل کالبدی-فضایی صورت گرفته است. یافته‌ها حاکی از آن است که سازمان فضایی این مجتمع‌ها - از جمله طراحی مشاعات، فضاها، خدماتی و رفاهی - الگوهای جدیدی از سکونت شهری را شکل داده و موجب دگرگونی در مفاهیمی چون حریم خصوصی، تعاملات همسایگی، و هویت مکانی در بافت اجتماعی ساکنان شده است. این پژوهش نشان می‌دهد نخستین بلندمرتبه‌های مسکونی تهران، فراتر از یک تغییر شکلی در کالبد معماری رفته‌اند و محرک تحولی فرهنگی، اجتماعی و فضایی در سبک زندگی و شیوه زیست شهری به‌شمار می‌آیند.

واژگان کلیدی: بلندمرتبه‌سازی، سبک زندگی، شهر تهران، مسکن، مجتمع‌های مسکونی.

۱ دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
sahar.lorialikhani@iau.ir

۲ عضو هیئت علمی، گروه معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
she.mirshahzadeh@iau.ac.ir (نویسنده مسئول)؛

۱. مقدمه

بیشترین عرصهٔ معماری که بر زندگی و سبک زندگی انسان تأثیر می‌گذارد، طراحی مسکن است. انسان در فضاهاى مسکونی به فعالیت‌های متفاوت و متنوعی می‌پردازد. سبک زندگی انسان بر نحوهٔ انجام هر کدام از این فعالیت‌ها تأثیر می‌گذارد. مسکن از اصلی‌ترین عرصه‌های بروز و ظهور سبک زندگی است. اثرات تغییر سبک زندگی، بیش از هر جایی در درون و بیرون مسکن خود را نشان می‌دهند (Fazeli, 2004: 31). مسکن پیش از آنکه صرفاً فضای سکونت و زندگی انسان‌ها باشد، نهادی نمادین، اجتماعی، و فرهنگی است. سبک زندگی به‌عنوان کلیتی یکپارچه از ابعاد معنوی و مادی زندگی، در پیوندی عمیق با مسکن و قرارگاه‌های رفتاری درون آن قرار دارد. این موضوع سرشت مسکن را فراتر از کالبد آن و در ارتباطی عمیق با سبک زندگی قرار می‌دهد (Taheri, 2014: 4).

سبک زندگی به‌معنای توصیفی از رفتارهای ساکنان است که می‌تواند شامل اطلاعات متنوعی در جنبه‌های مختلف مسکن باشد، از جمله جنبه‌های اقتصادی برای پیش‌بینی الگوهای تقاضا، جنبه‌های اجتماعی برای برنامه‌ریزی مسکن مطلوب و جنبه‌های فرهنگی برای شکل‌گیری هویت فردی و جمعی. سبک زندگی یکی از مفیدترین ابزار سنجش برای درک رفتار ساکنان و به‌تبع آن شکل کالبد‌های مسکونی است. سبک زندگی نشان‌دهندهٔ کیفیت زندگی افراد یک جامعه است و بر معماری مسکن تأثیر می‌گذارد (نامیان و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۳۵). استفاده از این مفهوم در مطالعات مسکن باعث شناخت بهتر نیازها و خواسته‌های انسان می‌شود. این مفهوم شناختی به دریافت اینکه چه کسی بودیم و چه کسی خواهیم بود و خانه‌های ما چه بوده و چه خواهد بود کمک می‌کند. بنابراین درک سبک زندگی برای برنامه‌ریزان، طراحان، سازندگان، مورخان معماری، و نظریه‌پردازان اهمیت فراوانی دارد (Zarrabi, Yazdanfar & Hosseini, 2022: 1-2).

یکی از پدیده‌های بحث‌برانگیز در شهرسازی معاصر ایران، راهبرد توسعهٔ عمودی و بلندمرتبه‌سازی در فرایند برنامه‌ریزی شهری است که همواره با چالش مواجه بوده است. بلندمرتبه‌سازی، پدیده‌ای معاصر و جهانی است که در پاسخ به نیازهای مسکن ناشی از افزایش جمعیت، کمبود زمین‌های مناسب، جایگزینی تراکم جمعیت در زمین کمتر، بازسازی و نوسازی

عمران شهری، و جلوگیری از گسترش افقی شهرها در دهه‌های اخیر رواج یافته است. عوامل یادشده، دلایل موجهی برای اتخاذ راهبرد بلندمرتبه‌سازی محسوب می‌شوند. ساخت بناهای بلندمرتبه در ایران در ابتدا به‌عنوان یک مسئله اجتماعی و توسعه‌ای شناخته نمی‌شد، بلکه به تقلید از شهرهای بزرگ جهان صورت گرفت. اما در دهه‌های میانی قرن گذشته، احداث بلندمرتبه‌ها با کاربری مسکونی، آگاهانه یا ناآگاهانه، به‌عنوان راهکاری برای حل مشکل مسکن مطرح شد. پدیده بلندمرتبه‌سازی در تهران با توسعه شهر به سمت شمال و شمال‌غرب نمود بیشتری یافت و در پی افزایش قیمت زمین و فروش تراکم از سوی شهرداری آغاز شد. ابتدا بخش‌های شمالی تهران و سپس سایر مناطق آن را تحت پوشش خود قرار داد (پوردیهمی، زمانی و تاجی، ۱۳۹۰: ۵-۶).

نخستین مجتمع‌های بلندمرتبه تهران، نه‌تنها تجربه‌ای نو از شیوه سکونت شهری بودند، بلکه به‌مثابه نوعی «تغییر پارادایم سکونتی» عمل کردند زیرا ورود به الگوی زیست در ارتفاع، مجموعه‌ای از عادات، روابط، فضاها، و ارزش‌های جدید را به ساکنان تحمیل یا پیشنهاد می‌کرد. این سکونت جدید موجب دگرگونی در مفاهیمی چون حریم خصوصی، نحوه استفاده از فضاهای مشترک، الگوهای تعاملات همسایگی و تجربه زیسته شد. با توجه به اهمیت مسکن، به‌عنوان بخشی از نظام فرهنگی و اجتماعی زندگی شهری، مطالعه نخستین مجتمع‌های بلندمرتبه تهران فرصتی فراهم می‌کند تا بتوان تحولات کالبدی این پروژه‌ها را در پیوند با تغییرات سبک زندگی ساکنان بررسی کرد. مسئله اصلی پژوهش آن است که تحولات کالبدی نخستین مجتمع‌های بلندمرتبه تهران چه ویژگی‌هایی داشتند و این ویژگی‌ها چگونه بر سبک زندگی ساکنان اثر گذاشتند.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام‌شده مرتبط با پژوهش حاضر در جدول شماره ۱ آمده‌اند.

جدول ۱. مقاله‌های مورد بررسی در پیشینه پژوهش (نگارندگان، ۱۴۰۳)

ردیف	نویسندگان / سال چاپ	عنوان مقاله	روش تحقیق	نتایج تحقیق
۱	مهسا زارع‌شهامتی، ندا صحراگرد منفرد، سیدعباس یزدان‌فر	شناسایی و اولویت‌بندی راهکارهای مسکن انعطاف‌پذیر منطبق با سبک	توصیفی - تحلیلی از نوع هم‌بستگی	انعطاف‌پذیری، پارتیشن‌پذیری و توسعه‌پذیری مسکن،

ردیف	نویسندگان/ سال چاپ	عنوان مقاله	روش تحقیق	نتایج تحقیق
	(۱۴۰۲)	زندگی (مطالعهٔ موردی: استان تهران)		سازگاری حداکثری با نیاز افراد در سنین مختلف را تضمین می‌کند.
۲	عاطفه صدقاتی (۱۴۰۱)	بازتاب سبک‌نوین زندگی شهری بر ترجیحات افراد و مؤلفه‌های توسعهٔ مسکن اسلامی	توصیفی - تحلیلی و از نوع کاربردی	ترجیحات افراد بر توسعهٔ مسکن اثرگذار است و باید در برنامه‌ریزی مسکن لحاظ شود.
۳	ساناز خداخواه‌جدی، وحید قبادیان و سعید تیزقلم‌زنوزی (۱۴۰۱)	ارزیابی نقش مسکن در کیفیت زندگی شهروندان (نمونهٔ موردی: منطقهٔ ۱۲ کلان‌شهر تهران)	تحلیلی - پیمایشی	کیفیت مسکن بر کیفیت زندگی افراد اثر مستقیم دارد؛ عدالت اقتصادی، رضایت از دسترسی، و کیفیت محیط مهم هستند.
۴	محمد مرتاض‌هجری، سیدعباس یزدان‌فر، سیدباقر حسینی (۱۴۰۰)	بررسی روابط متقابل سبک زندگی و سازمان‌فضایی خانه، مورد مطالعه: خانه‌های مسکونی شهرستان رشت	کیفی پیمایشی	ساختار کالبدی تحت‌تأثیر سبک زندگی و ابعاد فرهنگی، اجتماعی و معیشتی تغییر می‌کند.
۵	پریسا نامیان، محمد پروا، هادی کشمیری (۱۴۰۰)	بررسی تأثیر سبک زندگی در طراحی مسکن معاصر شیراز	توصیفی - تحلیلی از نوع هم‌پستگی	تغییرات سبک زندگی ایرانی، الگوی مناسبی برای مسکن معاصر ارائه می‌دهد.
۶	ربابه علی‌پور، سیدامیرسعید محمودی، آزاده آقالطیفی (۱۳۹۹)	بررسی ارتباط عوامل مؤثر بر سبک زندگی و کالبد خانهٔ معاصر در شهر مشهد	توصیفی - تحلیلی و پیمایشی	سبک زندگی از انتخاب موقعیت تا تغییرات داخلی خانه اثرگذار است.
۷	فهمیم فاریابی و سیدعباس یزدانفر (۱۳۹۹)	تأثیر شیوهٔ زندگی بر سازمان‌فضایی خانه (مطالعهٔ موردی: شهرستان کرمان)	توصیفی - تحلیلی	دگرگونی سبک زندگی رابطهٔ مستقیم با کالبد خانه دارد.

ردیف	نویسندگان / سال چاپ	عنوان مقاله	روش تحقیق	نتایج تحقیق
۸	مهدیه امیدی حسین آبادی، قادر احمدی (۱۳۹۹)	بررسی الگوهای تراکمی توسعه عمودی مسکن (بلندمرتبه‌سازی) و تحلیل تأثیرات آن بر کیفیت زندگی (نمونه موردی: ناحیه ۳ منطقه ۲۲ تهران)	توصیفی - تحلیلی	کیفیت زندگی در الگوی تراکم کم بهتر است.
۹	مهدی توکلی کازرونی و هادی کشمیری (۱۳۹۷)	تأثیر عوامل بلندمرتبه بر ارتقاء فرهنگ سکونتگاهی شهر شیراز با بهره‌گیری از مدل تحلیل شکاف	توصیفی - تحلیلی	راهکارهایی برای هماهنگی بلندمرتبه‌ها با فرهنگ شهری ارائه شد.
۱۰	سیدامین سیدین و کسری عقلی مقدم (۱۳۹۴)	تأثیر بلندمرتبه‌سازی بر انعطاف‌پذیری محیط و پایداری آن	تحلیلی - توصیفی	فضاهای نیمه‌باز و فرم مناسب، انعطاف‌پذیری ساختمان را افزایش می‌دهد.
۱۱	محمد فلامکی و شیما شصتی (۱۳۹۳)	رابطه میان سبک زندگی و مسکن ایرانی با تکیه بر نظریه جامعه کوتاه‌مدت و نظریه راهبرد و سیاست سرزمینی جامعه ایران	توصیفی تحلیل از نوع هم‌بستگی	نما، مساحت و موقعیت خانه، نشانه‌های تشخیص و هماهنگی با سبک زندگی است.
۱۲	ناصر فکوهی و زهرا غزنویان (۱۳۹۱)	بررسی انسان‌شناسی تنوع فضایی مطلوب از منظر ساکنان خانه‌های شهری تهران، البرز، و قزوین	میدانی، کیفی، اکتشافی، توصیفی	الگویی فرهنگی برای گونناگونی فضایی مطلوب ارائه شد.
۱۳	شهرام پوردیبهیمی، بهادر زمانی، صمدنگین تاجی (۱۳۹۰)	رویکردی انسانی به مسکن	کیفی - تفسیری - تحلیلی	شناخت همه ابعاد مسکن با بررسی فرایندهای مؤثر امکان‌پذیر است.
۱۴	حسین ذبیحی، کمال رهبری‌منش، و فرح	بررسی رابطه بین میزان رضایت از مجتمع‌های	بنیادی - کاربردی	رضایت از مجتمع، روابط انسانی را بهبود می‌دهد.

ردیف	نویسندگان / سال چاپ	عنوان مقاله	روش تحقیق	نتایج تحقیق
	حبیب (۱۳۹۰)	مسکونی و تأثیر مجتمع‌های مسکونی بر روابط انسان		
۱۵	سیدعبدالهادی دانش‌پور، مجتبی مهدوی‌نیا و محمد مهدی غیاتی (۱۳۸۸)	جایگاه دانش روان‌شناسی محیط در ساختمان‌های بلندمرتبه با رویکرد معماری پایدار	کیفی - تحلیلی	آموزش رفتارهای پایدار و مدیریت منابع، کلید پایداری و طراحی مناسب است.
۱۶	Mahsa Zarrabi, Seyed-Abbas & Yazdanfar Seyed-Bagher Hosseini (2022)	Usage of lifestyle in housing studies: a systematic review paper	کیفی - مروری	سبک زندگی با عوامل جمعیت‌شناختی، فرهنگی، اجتماعی، و عاطفی مرتبط است.
۱۷	Ashraf M.Salama, Florian Wiedmann & Hatem G. Ibrahim (2017)	Lifestyle trends and housing typologies in emerging multicultural cities	تحلیلی - پیمایشی	گذار به مسکن تقاضامحور برای جوامع چندفرهنگی ضروری است.
۱۸	Kwon, Hyun-ah, and Soomi Kim (2017)	Due to the Transition of Social Structure: Focusing on Articles Published in Lifestyle Magazines	کیفی - مروری	ارتباط افراد و خانه، برنامه‌ریزی فضای مسکونی را با سبک زندگی روز هماهنگ می‌کند.
۱۹	, Julia O. Beamish Rosemary Carucci Goss & JoAnn Emmel (2015)	Lifestyle Influences on Housing Preferences,	تحلیلی - پیمایشی	انتخاب مسکن، بیانگر هویت افراد و هماهنگی با سبک زندگی است.
۲۰	Jansen (2011)	Lifestyle Method. In book: The Measurement and Analysis of Housing Preference and Choice	کیفی - توصیفی	سبک زندگی، جنبهٔ مشترک برای طراحی و اجرای پروژه‌های مسکن و بهبود کیفیت زندگی است.

پژوهش‌های مرتبط با موضوع سکونت را می‌توان در دو رویکرد اصلی پیگیری کرد: رویکرد کالبدی-معماری و رویکرد اجتماعی-انسان‌شناختی. این دو رویکرد اگرچه از منظرهای متفاوت به مسئله می‌پردازند، اما درنهایت هر دو به نقش فضاهای سکونتی در سازمان‌دهی سبک زندگی، روابط اجتماعی، و تجربه زیسته ساکنان اشاره دارند.

۲-۱. مطالعات کالبدی و معماری

در بخش قابل‌توجهی از ادبیات، تمرکز اصلی بر ساختار فضایی مسکن بوده است. این پژوهش‌ها معمولاً ویژگی‌هایی چون نحوه چیدمان واحدها، طراحی مشاعات، کیفیت نورگیری و تهویه، سیستم‌های دسترسی عمودی، و عملکرد فضاهای خدماتی را بررسی کردند و نشان دادند سازمان فضایی ساختمان می‌تواند در شکل‌گیری الگوهای استفاده از فضا و کیفیت زیست روزمره نقش مؤثری داشته باشد. با این حال، در بسیاری از این مطالعات، تمرکز اصلی بر ویژگی‌های فنی و کالبدی بوده و پرداختن به معانی فرهنگی فضا، تجربه زیسته ساکنان و پیامدهای اجتماعی سکونت در ارتفاع، در سطح محدودتری صورت گرفته است. افزون‌براین، اگرچه بلندمرتبه‌سازی به‌عنوان پدیده‌ای معاصر در شهر تهران مورد توجه قرار گرفته، اما بررسی تاریخی نخستین مجتمع‌های بلندمرتبه و نقش آن‌ها در شکل‌گیری الگوهای نوین سکونت، همچنان نیازمند واکاوی بیشتری است.

۲-۲. مطالعات اجتماعی و انسان‌شناختی

درمقابل، گروهی از پژوهش‌ها با رویکرد اجتماعی، مسکن را نه صرفاً یک کالبد فیزیکی، بلکه عرصه‌ای فرهنگی-اجتماعی تلقی می‌کنند که سبک زندگی، روابط همسایگی، حریم خصوصی، هویت و منزلت اجتماعی را سامان می‌دهد. این مطالعات نشان می‌دهند که گذار از خانه‌های حیاطدار به آپارتمان‌نشینی با تغییراتی در روابط خانوادگی، شبکه‌های همسایگی، الگوهای تعامل اجتماعی و تجربه زیسته از فضا همراه بوده است. در این میان، برخی پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در ایران کوشیدند با ترکیب داده‌های کالبدی و اجتماعی، تحولات گونه‌های مسکونی و پیوند آن‌ها با سبک زندگی را بررسی کنند. با این وجود، تمرکز مشخص

بر تجربه سکونت در نخستین مجتمع‌های بلندمرتبهٔ تهران، به‌ویژه از منظر تاریخی و در نسبت با مواجهه اولیه جامعه شهری با زیست در ارتفاع، همچنان نیازمند بررسی‌های تکمیلی است.

۲-۳. مطالعات خارجی مرتبط با مسکن و مواجهه نخستین با سکونت بلندمرتبه

در ادبیات بین‌المللی، به‌ویژه در مطالعات انجام‌شده در شرق آسیا (مانند ژاپن و کره جنوبی)، اروپا و آمریکای شمالی، نخستین مواجههٔ شهروندان با سکونت بلندمرتبه به‌عنوان لحظه‌ای تعیین‌کننده در تغییر شیوه‌های زندگی مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند تحولات کالبدی آپارتمان‌ها و فضاهای مشترک، الگوهای جدیدی از حریم خصوصی، روابط همسایگی، مصرف فضا و ادراک منزلت اجتماعی را شکل دادند. نتایج این مطالعات بر اهمیت پیوند میان ساختار فضایی مسکن و پیامدهای فرهنگی-اجتماعی آن تأکید می‌کند.

در مجموع، مرور پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد اگرچه ابعاد کالبدی و اجتماعی مسکن هر یک به‌طور جداگانه مورد توجه قرار گرفته‌اند و برخی مطالعات بین‌رشته‌ای نیز در این زمینه انجام شده است، اما بررسی متمرکز نخستین مجتمع‌های بلندمرتبهٔ تهران به‌عنوان نقطهٔ آغاز مواجههٔ جامعهٔ شهری با سکونت در ارتفاع، همچنان جای پرداخت تحلیلی بیشتری دارد. پژوهش حاضر با تکیه بر تحلیل اسنادی و خوانش کالبدی این نمونه‌های آغازین می‌کوشد به درک روشن‌تری از نسبت میان تحولات فضایی و سبک زندگی ساکنان در این مقطع تاریخی دست یابد و تصویری تکمیلی از این تجربهٔ شهری ارائه کند.

۳. چهارچوب نظری پژوهش

سبک زندگی به انتخاب وابسته است و انتخاب نیز به اطلاعات که خود محصول فرایند ارتباطات است. ارتباط می‌تواند به‌صورت میان‌فردی یا رسانه‌ای باشد. کسانی که در جوامع مدرن زندگی می‌کنند، برای توصیف کنش‌های خود و دیگران از مفهوم سبک زندگی استفاده می‌کنند. سبک‌های زندگی الگوهایی برای کنش هستند که مردم را از هم متمایز می‌کنند؛ بنابراین سبک‌های زندگی کمک می‌کنند تا چرایی و معنای آنچه که مردم انجام می‌دهند بهتر درک شود (Chaney, 2002: 11). افراد به‌گونه‌ای انتخاب‌های خود را انجام می‌دهند که بیانگر یک سبک زندگی مشخص باشد. سبک زندگی هر فرد، الگوی زندگی او در جهان است که در

فعالیت‌ها، علایق، باورها عقاید او تجلی پیدا می‌یابد. سبک زندگی، تقابل فرد با محیط خویش را نمایش می‌دهد و به الگوی مصرفی‌ای اشاره دارد که منعکس‌کننده انتخاب‌های فرد در مورد نحوه مصرف زمان و درآمد است (آرین و همکاران، ۱۳۹۷: ۷). مفهوم سبک به زمان یا مکان محدود نیست، بلکه شامل سازوکارهای متحول‌شده در گذر زمان در مورد چگونگی درک زندگی مطلوب براساس تغییر اعتقادات، ارزش‌ها، و تصورات در بستری مفروض و همچنین چگونگی استفاده از آن به‌عنوان چشم‌اندازی به سوی آینده است (بندکیتز، ۱۳۹۲: ۲۰۱).

به‌طور خلاصه مشخصات سبک زندگی را می‌توان این‌گونه برشمرد:

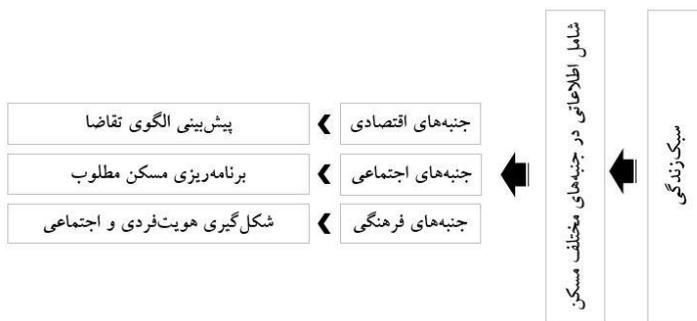
- سبک زندگی الگوهایی از رفتار و کنش‌ها را در بر می‌گیرد که بین افراد تمایز ایجاد می‌کند.
- سبک زندگی در چهارچوب تعامل بین افراد و معنایی که در این تعامل ردوبدل می‌شود، ظهور می‌یابد.
- سبک زندگی فعالیتی انتخابی و روزمره است؛ یعنی فرد در انتخاب آن از اختیار و کنش‌گری برخوردار بوده و آن را در جریان زندگی خویش عملی می‌سازد.
- سبک زندگی بر مبنای تمایل و ترجیح یا مجموعه‌ای همگرا از ترجیح‌ها و تمایلات شکل می‌گیرد.
- سبک زندگی می‌تواند هم فردی باشد و هم جمعی؛ بدین معنی که هم می‌توان آن را در سطح فردی ملاحظه کرد و هم در سطوح اجتماعی، فرد می‌تواند سبکی متفاوت از جمع داشته باشد (باینگانی، ایراندوست، و احمدی، ۱۳۹۲: ۶۴-۶۳).
- سبک زندگی، فعالیت‌های نظام‌مندی است که از ذوق و سلیقه فرد تجلی می‌یابد؛ علاوه بر آنکه جنبه عینی دارند، به‌صورت نمادین به فرد هویت می‌بخشند و در بین اقشار مختلف اجتماعی، تمایز ایجاد می‌کند. افراد به‌واسطه برخورداری از انواع مختلف سرمایه دست به مصرف فرهنگی و مادی می‌زنند. اغلب افراد تلاش می‌کنند با مصرف نوع خاصی از کالاها یا نوع خاصی از پوشاک و ... تغییر طبقاتی خود را اعلام کنند و یک هویت طبقاتی و سبک زندگی جدید را به‌دست آورند که میان اقشار مختلف تمایز ایجاد کند (بوردیو، ۱۹۸۴: ۲۸۵).
- سبک زندگی، گزینش الگوی رفتاری است که خود محصول رفتار و تعامل فردی و گروهی انسان است و باعث شکل‌گیری فضای اجتماعی می‌شود. مفهوم سبک زندگی، به انتخاب کیفیت‌های زندگی، فعالیت‌ها و شیوه خاص انجام فعالیت‌ها اشاره دارد که دربرگیرنده

ایدئال‌ها و تصورات است. سبک زندگی نظام کردوکارهای طبقه‌بندی‌شده و طبقه‌بندی‌کننده یا نشانه‌های متمایزکننده است که در قالب ریختار متمایزکنندهٔ فضا بازنمایی می‌شوند (بودریو، ۱۹۹۸: ۷-۸). بودریو سبک زندگی را مجموعه‌ای از عادت‌واره‌ها و ذائقه‌هایی می‌داند که در رابطه با سرمایه‌های فرهنگی، اقتصادی، و اجتماعی شکل می‌گیرند. از این منظر، انتخاب الگوهای سکونت‌نوعی کنش تمایز است (بودریو، ۱۹۸۴) (شکل ۱).



شکل ۱. نگاه بودریو به سبک زندگی (نگارندگان، ۱۴۰۲).

بر این اساس، در این پژوهش، سبک زندگی نه به‌عنوان تجربهٔ زیستهٔ مستقیم ساکنان، بلکه به‌عنوان الگویی اجتماعی و فضایی که در سازمان کالبدی و امکانات مسکن متجلی شده، مورد توجه قرار می‌گیرد. این رویکرد امکان بررسی رابطهٔ میان تحولات کالبدی و تغییرات سبک زندگی را در چهارچوبی نظری و ساختاری فراهم می‌سازد.



شکل ۲. نقش سبک زندگی در فضای زندگی (نگارندگان، ۱۴۰۳)

مسکن به‌دنبال ایجاد محیطی است که به بهترین شکل با شیوهٔ زندگی یک قوم هماهنگ و منطبق باشد. ساختمان‌ها و مجتمع‌ها نشان‌دهندهٔ اهمیت نسبی‌ای است که به شیوه‌های مختلف

زندگی و روش‌های مختلف درک از واقعیت داده می‌شود (راپاپورت، ۱۹۲۹: ۸۲). رابطه سبک زندگی با مسکن‌گزینی از دیدگاه اندیشمندان مختلف در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول ۲. بررسی رابطه سبک زندگی با مسکن‌گزینی از دیدگاه اندیشمندان (نگارندگان، ۱۴۰۳)

اندیشمندان	تعریف سبک زندگی	مؤلفه‌های مفهومی	ریز مؤلفه‌های مفهومی
چاپین	محل سکونت، نوع خانه و وسایل اتاق‌نشیمن، سایر جلوه‌های شأن و منزلت	اجتماعی	سکونت به‌مثابه تمایز اجتماعی و طبقات اجتماعی
ابرین	محل زندگی، مشارکت محلی، نوع منزل (با حیاط، گاراژ، کارگاه و...)، نوع مدرسه محل تحصیل فرزندان	اجتماعی	سکونت به‌مثابه تعامل اجتماعی
بورديو	دارایی‌هایی مثل خانه، ویلا، ماشین، اثاثیه و فعالیت‌های متمایزکننده مانند تفریح و ورزش	اجتماعی	سکونت به‌مثابه بازنمایی الگوی رفتاری برای تمایز اجتماعی
سگالن	مسکن (فضای داخلی خانه و تقسیم‌بندی فضاهای خصوصی و فضاهای عمومی و تفریحی داخلی و خارجی)، معاشرت و روابط خویشاوندی	اجتماعی	سکونت به‌مثابه تعامل اجتماعی خانواده و جامعه و روابط خویشاوندی
راپاپورت	خانه و سکونت به‌عنوان بازتاب روش زندگی و فرهنگ، تأثیرگذار بر کیفیت زندگی، محیط ساخته‌شده و روابط اجتماعی و خانوادگی	اجتماعی-فرهنگی	سکونت به‌مثابه بازنمایی الگوهای فرهنگی و تعاملات اجتماعی
اسول	نوع خانه، عمل سکونت، وسایل اتاق نشیمن	اجتماعی	سکونت به‌مثابه تمایز اجتماعی و طبقات اجتماعی
هجراب	تغییر نیازها و اولویت‌های خانه با سطح درآمد، محل کار و سبک کار فردی	اقتصادی	سکونت به‌مثابه بازنمایی توان اقتصادی

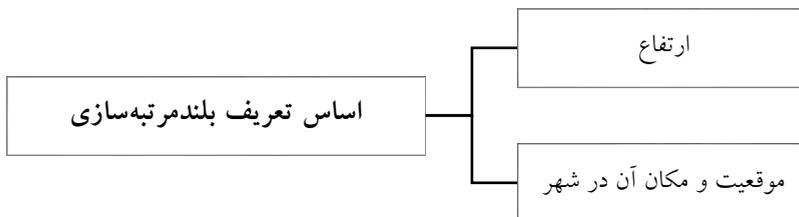
۳-۱. تعریف‌ها و جامعهٔ مورد مطالعه

۳-۱-۱. تعریف مسکن

مسکن، تنها یک فضای فیزیکی نیست که افراد در آن زندگی می‌کنند، بلکه محیطی برای برقراری روابط اجتماعی و انجام آداب و رسوم است. مسکن، محیطی است که رفتارهای فردی و روابط اجتماعی در آن شروع به شکل‌گیری می‌کند و مهم‌ترین رویدادها در آن رخ می‌دهند (lee et al., 2007). مسکن فراتر از چهارچوب خانه است و دربرگیرندهٔ محیط کالبدی گسترده‌تر و جامعهٔ انسانیِ وسیع‌تر از خانه است. در واقع، می‌توان مسکن را به‌عنوان سکونتگاه کل جامعهٔ انسانی در نظر گرفت (پاکدل، ذبیحی و نقی‌زاده، ۱۳۹۴: ۵۲).

مسکن نهادی است که برای پاسخگویی به مجموعه‌ای پیچیده از اهداف ایجاد می‌شود. پدیده‌ای اجتماعی است که انتظام و نوع فضاها و فرم آن از عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تأثیر می‌پذیرد. هدف اصلی مسکن ایجاد محیطی سازگار و منطبق بر شیوهٔ زندگی انسان است. مسکن باید علاوه بر تأمین نیازهای فردی، قادر به برآورده‌ساختن نیازهای اجتماعی انسان نیز باشد (پوردیهمی، ۱۳۹۰).

۳-۲-۲. تعریف بلندمرتبه‌سازی



شکل ۳. اساس تعریف بلندمرتبه‌سازی (نگارندگان، ۱۴۰۳)

بلندمرتبه‌سازی را می‌توان از دو جنبه تعریف کرد (شکل ۳)؛ نخست، تعریفی که براساس ارتفاع ارائه می‌شود؛ از منظر ارتفاع، نخستین نمونه‌های ساختمان‌های بلندمرتبه با ساخت بنای ده‌طبقهٔ ویلیام له‌بارون جنی در سال ۱۸۸۴ در شیکاگو معرفی شدند (Bani Masoud, 2011: 212). امروزه نیز کشورهای مختلف استانداردهای متفاوتی برای تعریف ساختمان بلند دارند. بسیاری از مهندسان، معماران و بازرسان، ارتفاع بیش از ۲۵ متر را بلند می‌دانند (شجاعی و پولادی،

۱۳۹۸: ۱۳۴)، درحالی‌که قوانین ایالت ماساچوست حد بالای ۳۳ متر را معیار قرار داده‌اند. در ایران نیز وجود بیش از چهار طبقه و الزام به استفاده از آسانسور نشانه‌ای از بلندبودن ساختمان تلقی می‌شود (مستأجران گورتانی و برکاتی، ۱۳۹۹: ۴). در حوزه برنامه‌ریزی شهری، ساختمان‌های ده طبقه و بیشتر به‌عنوان بلندمرتبه شناخته می‌شوند و باید واجد نمایی باشند که طبقات متعدد را نشان دهند (وارثی، ۱۳۹۴: ۳). براساس معیارهای ایمنی آتش‌نشانی، هر ساختمان با ارتفاع بیش از ۲۳ متر - یعنی فاصله میان کف بالاترین طبقه قابل تصرف تا پایین‌ترین سطح دسترسی خودروهای آتش‌نشانی - بلندمرتبه محسوب می‌شود (شجاعی و پولادی، ۱۳۹۸: ۱۳۴).

در جنبه دوم تعریف، بلندمرتبه‌سازی تنها به ارتفاع محدود نمی‌شود و ویژگی‌هایی چون فناوری ساخت، نقش نمادین و نسبت ارتفاع به بافت پیرامون نیز در تعریف آن مؤثرند. شورای ساختمان‌های بلند و زیستگاه شهری (CTBUH) این ابعاد را در تعیین ساختمان‌های بلندمرتبه لحاظ می‌کند (توکلی، ۱۳۹۵: ۳۲۰). از این منظر، در بافت‌های کم‌تراکم حتی یک ساختمان پنج طبقه می‌تواند بلند تلقی شود، درحالی‌که در شهرهایی چون شیکاگو، ساختمان‌های ده‌ها طبقه حداقل ارتفاع متعارف را دارند (فهودی و محمدی، ۱۳۸۰). در ایران، مصوبه سال ۱۳۷۷ شورای عالی شهرسازی و معماری، ساختمان‌های بیش از شش طبقه را بلندمرتبه می‌داند. در انگلستان نیز معیارها وابسته به زمینه‌اند، به‌طوری‌که در مرکز لندن ارتفاع ۷۵ متر بلند محسوب می‌شود، اما در محدوده تایمز این مقدار ۳۰ متر است. درنهایت، براساس دیدگاه CTBUH ساختمان بلند تنها با ارتفاع یا تعداد طبقات تعریف نمی‌شود، بلکه هنگامی بلندمرتبه است که بلندی آن بر الگوهای استفاده از فضا یا برنامه‌ریزی ساخت تأثیرگذار باشد (مهندسین مشاور پارت، ۱۳۸۹).

باتوجه به محدودیت در منابع زمین و نبود امکان رشد افقی شهرها، توسعه عمودی شهر که نمود آن با بلندمرتبه‌سازی است، مطرح می‌شود. بلندمرتبه‌سازی به‌عنوان راه‌حلی در نتیجه افزایش جمعیت ناشی از مهاجرت به مراکز شهری و مواجهه با کمبود زمین و قیمت بالای آن، به‌خصوص در شهرهای بزرگ، مدنظر توسعه‌دهندگان و سازندگان قرار گرفته است (توکلی کازورنی و کشمیری، ۱۳۹۷: ۱۹).

راهبرد بلندمرتبه‌سازی در ارتفاع در پاسخ به نیاز مسکن و با هدف جایگزینی تراکم جمعیت در زمین کمتر، بازسازی و نوسازی عمران شهری و جلوگیری از گسترش شهرها و بهینه‌سازی مصرف انرژی ساختمان در دهه‌های اخیر رواج یافته است. اگرچه ساخت بناهای بلندمرتبه، به‌ویژه در ایران، در ابتدا نیاز کارکردی، فرهنگی، اجتماعی و توسعه‌ای نبوده و بیشتر تقلیدی از شهرهای بزرگ جهان بوده است اما احداث بلندمرتبه‌ها با کاربری مسکونی در دههٔ چهارم و نیمهٔ اول دههٔ پنجم و دههٔ هفتم قرن گذشته، به‌منظور کمک به حل مشکل مسکن صورت گرفته است. با رعایت اصول و معیارهای معماری و شهرسازی می‌توان امکان استفادهٔ مناسب و مطلوب از بلندمرتبه‌ها را فراهم کرد. با توجه به شرایط قرن حاضر، بلندمرتبه‌سازی راه‌حلی واقع‌گرایانه، اقتصادی و اجتماعی و مطلوب جهت اسکان مردم در شهرهای بزرگ است (توکلی‌کازورنی و کشمیری، ۱۳۹۷: ۳۰).

۳-۲. جامعهٔ مورد مطالعه

در این پژوهش، جامعهٔ مورد مطالعه شامل نخستین برج‌های مسکونی بلندمرتبهٔ شهر تهران است که در بازهٔ زمانی دههٔ ۱۳۴۰ تا اواخر دههٔ ۱۳۵۰ احداث شدند؛ دوره‌ای که نخستین مواجههٔ شهروندان تهرانی با سکونت در ارتفاع و زیست آپارتمانی سازمان‌یافته را رقم زده است. انتخاب این نمونه‌ها با هدف شناخت الگوهای آغازین شکل‌گیری سکونت بلندمرتبه و بررسی پیامدهای کالبدی آن‌ها بر شیوه‌های زیست و الگوهای سکونت شهری صورت گرفته است.

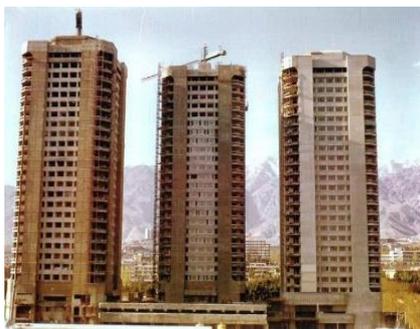
نمونه‌های مورد بررسی شامل مجتمع بهجت‌آباد، برج‌های اسکان، برج آ.اس.پ، برج‌های سه‌گانهٔ دوما، برج‌های دوقلوی سامان، مجتمع مسکونی پارک د پرنس، و برج بین‌المللی تهران هستند. این نمونه‌ها از حیث زمان ساخت، مقیاس، تعداد طبقات، تعداد واحدها و سطح امکانات رفاهی و مشاعات طیفی متنوع را در میان بلندمرتبه‌های آغازین تهران نمایندگی می‌کنند و به همین دلیل، امکان بررسی تحولات کالبدی و الگوهای سکونتی در مراحل مختلف تثبیت سکونت بلندمرتبه را فراهم می‌سازند. مشخصات کلی این مجتمع‌ها از نظر سال ساخت، تعداد بلوک، تعداد طبقات و تعداد واحدهای مسکونی در جدول ۳ ارائه شده است. این جدول، به‌عنوان معرفی جامعهٔ مورد مطالعه، چهارچوبی کلی از مقیاس و ویژگی‌های فیزیکی نمونه‌ها را ارائه می‌دهد و مبنایی برای تحلیل‌های کالبدی بعدی فراهم می‌کند. در ادامه،

به‌منظور آشنایی بصری بیشتر با جامعه مورد مطالعه، تصاویر شاخص این بلندمرتبه‌ها ارائه می‌شود.

جدول ۳. بلندمرتبه‌های آغازین از لحاظ سال ساخت، تعداد واحد/ بلوک، ارتفاع (نگارندگان، ۱۴۰۳).

تعداد واحدها	تعداد طبقه	تعداد بلوک	سال ساخت	مجتمع
۳۹۲ واحد: هر طبقه ۲ واحد	۱۴	۱۴	۱۳۴۳- ۱۳۴۹	مجتمع بهجت‌آباد
۹۰ واحد: ۴ واحد در ۲۲ طبقه و ۲ واحد در طبقه آخر	۲۳	۳	۱۳۵۱- ۱۳۵۶	برج‌های اسکان
۲۵۰ واحد آپارتمانی ۱۲۰ واحد آپارتمان ویلا هر بلوک تعداد واحد متفاوت: برج آ (A) با نام آسمان: ۸۹ واحد؛ برج اس (S) با نام سیمرغ: ۱۶۸ واحد؛ و برج پ (P) با نام پرند: ۱۳۲ واحد	۲۴	۳	۱۳۴۸- ۱۳۵۴	برج آ.اس.پ
۲۹۲ واحد برج کوروش با ۲۱ طبقه و ۹۰ واحد؛ برج آریو دارای ۱۱ طبقه و ۷۵ واحد و یک واحد ویلایی ۵۴۱ متری نیز متصل به آن؛ برج سوم داریوش ۲۱ طبقه و ۱۲۷ واحد؛	دو برج ۲۱ طبقه و یک برج ۱۱ طبقه	۳	۱۳۵۰- ۱۳۶۳	برج‌های سه‌گانه دوما
تعداد واحدها در هر طبقه: معمولاً ۶ واحد مسکونی، در برخی طبقات خاص، تعداد واحد ممکن است ۴ یا ۵ باشد به‌دلیل ترکیب یا ادغام؛ بر این اساس، در مجموع ۲۲۰ واحد مسکونی را شامل می‌شود.	۲۴ طبقه	۲	۱۳۴۸- ۱۳۴۹	برج‌های دوقلوی سامان
۲۳۰ واحد	بلوک A: ۲۴ طبقه بلوک B: سه برج	۳	۱۳۵۵- ۱۳۵۹	مجتمع

تعداد واحدها	تعداد طبقه	تعداد بلوک	سال ساخت	مجتمع
	۱۹ طبقه بلوک C: ۱۵ طبقه			مسکونی پارک د پرنس
۵۷۲ واحد مشتمل بر: ۴۳ آپارتمان سوئیت ۱۷۲ آپارتمان دوخوابه ۳۱۳ آپارتمان سه خوابه ۱۶ آپارتمان ۴ خوابه ۱۱ آپارتمان پنت هاوس تریپلکس ۱۷ واحد تجاری	۵۶ طبقه تعداد طبقات: ۵۶ طبقه (۴) طبقه زیرزمین + ۵۲ طبقه (روی زمین)	۱	۱۳۷۵- ۱۳۸۴	برج بین‌المللی تهران



شکل ۵. برج‌های اسکان



شکل ۴. مجتمع بهجت آباد



شکل ۷. برج آ.اس.پ



شکل ۶. مجتمع پارک د پرنس



شکل ۹. برج دوما امانیه



شکل ۸. برج‌های دولوی سامان



شکل ۱۰. برج بین‌المللی تهران

۳-۳. پرسش‌های پژوهش

پرسش اصلی پژوهش

مجتمع‌های بلندمرتبه‌آغازین، در زمان احداث خود دارای چه ویژگی‌ها و تحولات کالبدی بودند و این تحولات چگونه بر سبک زندگی و شیوه زیست ساکنان تأثیر گذاشتند؟

پرسش‌های فرعی پژوهش

۱. چه الگوهای کالبدی و سازمان فضایی در نخستین مجتمع‌های مسکونی بلندمرتبه تهران به‌کار گرفته شد؟

۲. فضاهای مشترک، خدماتی و رفاهی چه نقشی در بازتولید یا تغییر روابط اجتماعی، تعاملات همسایگی و احساس هویت جمعی ساکنان ایفا کردند؟
۳. تحول در مفاهیمی مانند حریم خصوصی، امنیت، نظارت، مالکیت فضا و مصرف خدمات چگونه در سبک زندگی ساکنان بروز یافت؟

۳-۴. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با هدف واکاوی تحولات کالبدی نخستین مجتمع‌های مسکونی بلندمرتبه شهر تهران و بررسی دلالت‌های فضایی آن‌ها بر الگوهای سکونت و سبک زندگی، از رویکرد توصیفی-تحلیلی تاریخی بهره می‌گیرد و در گروه پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد. داده‌های پژوهش شامل اسناد شهرداری، نقشه‌ها و پلان‌های معماری، عکس‌های تاریخی، متون مرتبط و گزارش‌ها و مطالب منتشرشده در روزنامه‌ها و نشریات دهه‌های شکل‌گیری این مجتمع‌ها است که امکان بررسی ساختار کالبدی، سازمان فضایی و امکانات رفاهی برج‌های آغازین را ممکن می‌سازد. با توجه به ماهیت تاریخی موضوع پژوهش و دشواری دسترسی مستقیم به ساکنان اولیه این مجتمع‌ها، انتخاب نمونه‌ها از میان برج‌های شاخص موجود در شهر تهران و با بهره‌گیری از نظر متخصصان حوزه معماری و به روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی^۱ انجام شد. در این پژوهش، تحلیل پلان‌های معماری و اسناد ساختار فضایی به‌عنوان یک ابزار تحلیلی اکتشافی به‌کار گرفته شده است. این تحلیل‌ها با هدف شناسایی الگوهای هم‌جواری فضاها، نحوه سازمان‌دهی فضاهای خصوصی، نیمه‌خصوصی و مشاع، و چگونگی تعریف روابط فضایی انجام می‌شود. لازم به تأکید است که این شیوه تحلیل، جایگزین روش‌های کلاسیک انسان‌شناسی مبتنی بر داده‌های میدانی، مصاحبه و مشاهده مشارکتی نیست، بلکه صرفاً امکان طرح و تقویت فرضیه‌های درباره الگوهای سکونت و شیوه‌های زیست در این مجتمع‌ها را فراهم می‌کند. به بیان دیگر، خوانش کالبدی پلان‌ها و اسناد تاریخی، به‌منزله ابزاری برای فهم ظرفیت‌ها و محدودیت‌های فضایی زیست در این مجتمع‌ها به‌کار گرفته شده و تفسیر نتایج آن با احتیاط و در چهارچوب داده‌های اسنادی و زمینه تاریخی صورت پذیرفته است. برای تکمیل این خوانش، از مصاحبه‌ها، گزارش‌ها، مقالات روزنامه‌ای و متون اجتماعی معاصر زمان

1 Snowball Sampling

ساخت و بهره‌برداری از این مجتمع‌ها استفاده شد تا تصویری زمینه‌مند از نحوه استفاده، ادراک و مواجهه ساکنان با این فضاها ارائه شود. برای تحلیل داده‌ها، مجموعه‌ای از مؤلفه‌های کالبدی-فضایی تدوین شد که در سه سطح مورد بررسی قرار گرفت:

- ارتباط مجموعه با شهر: موقعیت مکانی، نحوه دسترسی، مرزگذاری، میزان عمومی/خصوصی بودن فضاها.
 - فضاهای مشاع و رفاهی: فضاهای مشترک نوظهور در این نوع سکونت (لابی، پارکینگ، راهروها) و امکانات (استخر، فضای بازی، سالن اجتماعات، فضای سبز و تجاری).
 - ساختار واحدهای مسکونی: تنوع تراژ و تیپ سکونت، نحوه سازمان‌دهی فضاهای داخلی (تفکیک حوزه‌ها، آشپزخانه، اتاق‌ها، تراس، رخت‌شوی‌خانه و ...).
- این چهارچوب تحلیلی، امکان بررسی نحوه بازنمایی و صورت‌بندی کالبدی الگوهای سکونت در نخستین مجتمع‌های بلندمرتبه تهران را فراهم می‌کند و نتایج آن، نه به‌عنوان بازنمایی مستقیم تجربه زیسته ساکنان، بلکه به‌عنوان خوانشی تحلیلی از دلالت‌های فضایی زیست در این مجتمع‌ها ارائه می‌شود.

۴. یافته‌های پژوهش

این پژوهش بر بررسی ارتباط میان سبک زندگی ساکنان و تحولات کالبدی مجتمع‌های بلندمرتبه مسکونی آغازین در تهران متمرکز است. تحلیل نمونه‌های انتخاب‌شده نشان می‌دهد طراحی فضایی، امکانات رفاهی و شیوه سازمان‌دهی واحدها در این بناها، سبک نوینی از زندگی شهری را معرفی کرده‌اند که در زمان ساخت، برای بسیاری از ساکنان ناآشنا و گاه نامأنوس بوده است. در مطالعه میدانی انجام‌شده، ساختمان‌های شاخصی چون بهجت‌آباد، ساعی، اسکان، سامان، ونک‌پارک، برج بین‌المللی تهران، پارک پرنس، و برج‌های آ.اس.پ بررسی شدند. ویژگی‌های کالبدی و عملکردی این بناها به‌صورت زیر قابل طبقه‌بندی است:

الف) سازمان فضایی و جای‌گیری شهری

- نزدیکی به فضاهای عمومی و تجاری شهری
- دسترسی‌های متنوع از چند خیابان اطراف

- مرزبندی باز یا نیمه‌باز بین محوطه و بافت پیرامونی (دیوارهای شفاف یا بسته)
- تعریف فضاهای عمومی نیمه‌خصوصی در ورودی‌ها و محوطهٔ باز

ب) مشاعات و امکانات رفاهی

- پارکینگ، لابی اصلی، لابی طبقات، راهروهای ارتباطی
- امکانات رفاهی نظیر استخر، فضای بازی، مهدکودک، سالن اجتماعات، فضای سبز، واحدهای تجاری و رستوران

ج) ساختار داخلی واحدها

- تنوع در مترژ و تیپ سکونت (آپارتمان، سوئیت، ویلا)
- وجود اتاق مستقل برای خدمتکار یا دفترکار، لایه‌بندی ورودی، تفکیک حوزه‌های خصوصی/عمومی
- امکاناتی نظیر تراس قابل‌نشیمن، آشپزخانهٔ نیمه‌مجزا، رخت‌شوی‌خانه، سرویس‌مستر
- این ویژگی‌ها ضمن ایجاد راحتی و دسترسی بیشتر به خدمات اجتماعی، الگویی متفاوت از سکونت آپارتمانی مدرن را نسبت به خانه‌های مرسوم آن زمان ارائه می‌دادند.

۴-۱. سبک زندگی و سکونت در بلندمرتبه‌های اولیه تهران

- یافته‌ها حاکی از آن است که بلندمرتبه‌های اولیه تهران، در کنار ویژگی‌های کالبدی متفاوت، به تدریج الگوهای تازه‌ای از سکونت شهری را تثبیت کردند؛ از جمله:
- افزایش تعامل در فضاهای مشترک
 - تغییر در مفهوم حریم شخصی و خانوادگی
 - گسترش استفاده از امکانات رفاهی اشتراکی
 - ارتقای سطح امنیت و خدمات شهری در مقایسه با خانه‌های تک‌واحدی
- این تحولات باعث شد سبک زندگی جدیدی در میان بخشی از شهروندان، به‌ویژه طبقهٔ متوسط شهری، شکل بگیرد که به زندگی آپارتمانی، نظم اجتماعی در برج‌ها و امکانات رفاهی درون مجتمع علاقه‌مند شدند.

۲-۴. ارتباط بلندمرتبه‌های آغازین با شهر

۲-۴-۱. مجتمع بهجت‌آباد: پیوند چندلایه با شهر و درعین حال مراقبت از مرزهای درونی در مجتمع بهجت‌آباد، طراحی ورودی‌ها و سازمان فضایی هم‌زمان دو هدف را دنبال می‌کند: دسترسی آسان به شهر و حفظ کنترل درونی مجموعه. ورودی‌های متعدد هم‌سطح خیابان و اتصال مستقیم آن‌ها به لابی‌ها، آسانسورها و پارکینگ زیرزمینی، نوعی گشودگی عملکردی ایجاد می‌کند که رفت‌وآمد را ساده و امن می‌سازد. از سوی دیگر، حیاط‌های داخلی، حصارهای ترکیبی (دیوار، نرده، پوشش گیاهی) و تفکیک مسیرهای حرکتی، مجموعه را از فضای پیرامون نیمه‌منفصل می‌کند. این معماری، شیوه‌ای تازه از زیست شهری را شکل می‌داد؛ جایی که ساکنان در عین برخورداری از دسترسی مستقیم به امکانات شهری مانند مراکز خرید و فضاهای تفریحی، تجربه‌ای نیمه‌خصوصی و کنترل‌شده از فضاهای مشترک (حیاط مرکزی، فضای بازی، استخر میان بلوک‌ها) داشتند. این دوگانگی گشودگی/محسوسیت یکی از ویژگی‌های مهم نخستین مجتمع‌های بلندمرتبه و مؤثر بر سبک زندگی ساکنان بود.

۲-۴-۲. برج‌های اسکان: جدایی کالبدی از شهر و پیوند عملکردی با آن

در برج‌های اسکان، ارتباط با شهر پیچیده‌تر و چندلایه‌تر است. ورودی اصلی در تراز خیابان ولیعصر قرار دارد، اما بدنه حجیم برج‌ها همچون یک دیوار شهری عمل می‌کند و آن را از خیابان‌های اطراف جدا می‌سازد. دسترسی‌های مکمل از خیابان‌های میرداماد و قبادیان و همچنین اتصال مستقیم به مرکز خرید اسکان، این مجموعه را در شبکه‌ای از کاربری‌های عمومی، تجاری و مسکونی قرار می‌دهد. وجود پارکینگ‌های گسترده، آسانسورهای نفربر و باربر و حیاط مرتفع مشرف به شهر، نوعی تجربه فضایی جدید به ساکنان ارائه می‌کند: ترکیب «زندگی در ارتفاع»، «رفت‌وآمد عمودی» و «ارتباط روزمره با فضاهای تجاری». درعین حال، مرزهای فیزیکی صریح جدایی محسوسی از بافت اطراف ایجاد می‌کنند و تجربه زیست درون مجموعه را از خیابان‌ها جدا می‌سازند. این الگوها به شکل‌گیری سبک‌های جدیدی از زیست شهری انجامیدند؛ سبکی که بین زندگی محصور و خصوصی‌شده، و ارتباط روزمره با امکانات شهری در نوسان بود.

۴-۲-۳. برج آ.اس.پ: آمیختگی با شهر و ظهور یک «فضای نیمه‌عمومی شهری»

برج‌های آ.اس.پ یکی از نخستین نمونه‌هایی هستند که مرز میان «زندگی در برج» و «زندگی در شهر» را کم‌رنگ کردند. وجود واحدهای تجاری گسترده در طبقات پایین سبب شد این مجموعه به صورت یک فضای شهری باز عمل کند؛ فضایی که ساکنان و غیرساکنان روزانه در آن رفت‌وآمد می‌کردند. ورودی‌های متعدد، موقعیت مرکزی و اتصال به شبکه حمل‌ونقل، برج را به بخشی از ریتم روزمرهٔ شهر تبدیل کرده بود. درعین‌حال، فضای باز چندسطحی و محصوریت با نرده‌ها، نوعی تفکیک آرام و تدریجی میان فضای عمومی و قلمرو خصوصی ساکنان ایجاد می‌کرد. این دوگانگی، گشودگی برای شهر و نیاز به کنترل داخلی، از نخستین نشانه‌های سبک زندگی جدید در برج‌های تهران بود: زندگی روزمره در تماس نزدیک با شهر، اما با نظارت، امنیت و مدیریت فضاهای مشترک.

۴-۲-۴. برج‌های دوما: برج‌نشینی ممتاز و فاصله‌گذاری کالبدی از خیابان

برج‌های دوما از ابتدا در موقعیتی نیمه‌منفصل از شهر ساخته شدند و بعدها، با گسترش تهران، در مرکز شبکهٔ بزرگ‌راهی قرار گرفتند. طراحی ورودی‌هایی که با چند پله از خیابان جدا می‌شد، همراه با لابی مجلل و حیاط مرتفع و سرسبز، نوعی زندگی ممتاز و جداشده از سطح خیابان را شکل می‌داد. جدارهای بسته، حصارهای محوطه و سازمان‌دهی مسیرهای حرکتی، تجربهٔ ساکنان را به فضای درونی برج محدود می‌کرد. با این‌حال، دسترسی آسان به بزرگ‌راه‌ها و شبکه حرکتی شهر، الگوی زندگی سریع، عمودی و مبتنی بر تحرک ماشینی را تقویت می‌کرد. این ترکیب باعث شد برج‌های دوما از اولین مکان‌هایی باشند که در تهران تجربه «زندگی لوکس در ارتفاع» را معرفی کردند.

۴-۲-۵. برج‌های دوقلوی سامان: پیوند مستقیم با شهر همراه با مرزبندی شفاف

برج‌های سامان همچون بسیاری از بلندمرتبه‌های دوره خود، ورودی اصلی هم‌سطح خیابان دارند و به این ترتیب، مسیر تعامل ساکنان با شهر را بدون گسست کالبدی فراهم می‌کنند. اما فضای باز میان دو بلوک، که با دیوار و پوشش گیاهی محصور شده، قلمروی خصوصی مشخص و مستقلی ایجاد می‌کند. ساکنان برای استفاده از امکانات داخلی (فضاهای رفاهی،

فضای باز مشترک و...) کاملاً به قلمرو خودی ارجاع داده می‌شوند، درحالی‌که دسترسی به بلوار کشاورز و خدمات شهری پیرامون آسان است. این ترکیب، الگویی از زیست شهری کنترل‌شده را شکل می‌دهد که در آن جریان رفت‌وآمد قابل مدیریت است، اما دیوار بلندی بین شهر و برج ایجاد نشده است.

۴-۲-۶. مجتمع مسکونی پارک د پرنس: شبکه ورودی‌های گسترده و زندگی محصور اما

چندلایه

پارک د پرنس با داشتن ۱۰ ورودی رسمی، نگاهی ۲۴ ساعته و لایه‌های امنیتی، یکی از کامل‌ترین نمونه‌های «مجموعه‌محور» بودن در بلندمرتبه‌های اولیه است. در این مجموعه، حیاط‌ها، سطوح مختلف محوطه و زمین تنیس همگی فقط برای ساکنان طراحی شده‌اند. درعین‌حال، بخش تجاری و اداری مجتمع کاملاً در معرض عموم قرار دارد و جریان شهری وارد محوطه می‌شود. آنچه این مجموعه را از دیگر نمونه‌ها متفاوت می‌کند، تفکیک دقیق قلمروهاست: فضای تجاری برای همه و فضای سبز و رفاهی فقط برای ساکنان. به این ترتیب، مجموعه نوعی «زندگی خصوصی چندسطحی» را شکل می‌دهد که در آن مسیرهای روزمره شهروندان با قلمروهای ساکنان تلاقی مدیریت‌شده دارد.

۴-۲-۷. برج بین‌المللی تهران: تقویت هویت برج‌نشینی و گسترش سبک زندگی

جهانی‌شده

برج بین‌المللی تهران، که در ابتدا در فضایی باز ساخته شد، با توسعه شهر در قلب شبکه بزرگ‌راهی قرار گرفت. ورودی اصلی هم‌سطح خیابان، لابی بزرگ و دسترسی مستقیم از پارکینگ به آسانسورها، الگوی کامل زندگی عمودی را برقرار می‌کند. برخلاف برخی مجتمع‌های دیگر، حصار محوطه شفاف است و فضای باز نسبتاً در امتداد دید خیابان قرار دارد؛ نشانه‌ای از گرایش به نمایش معماری است. با این حال، فضاهای مشاع تجاری که هیچ‌گاه فعال نشدند، تنها بخشی از روایت این برج هستند؛ روایتی که نشان می‌دهد تغییرات سیاسی-اقتصادی چگونه بر کارکرد مجموعه‌ها تأثیر گذاشت. این الگوها نه تنها فرم معماری را تغییر

دادند، بلکه بر شیوه‌های رفت‌وآمد، تجربهٔ امنیت، نحوهٔ استفاده از فضاهای مشاع و تعاملات اجتماعی نیز تأثیر گذاشتند و سرآغاز تغییرات عمیق در سبک زندگی شهری تهران بودند. ارتباط بلندمرتبه‌های آغازین با شهر، به‌طور خلاصه، در جدول شمارهٔ ۴ آمده است.

جدول ۴. ارتباط بلندمرتبه‌های آغازین با شهر (نگارندگان، ۱۴۰۳).

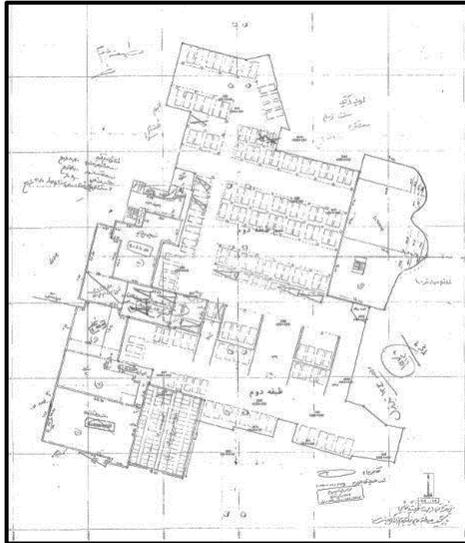
نام مجتمع	نوع ارتباط با شهر	سازوکارهای جداسازی/مرزبندی	سازوکارهای جداسازی/مرزبندی	پیامدهای اجتماعی - فرهنگی و نمود سبک زندگی
بهبخت آباد	ارتباط چندگانه با شهر؛ ورودی‌های متعدد هم‌سطح خیابان	دیوارچینی بخشی؛ نرده و پوشش گیاهی؛ محدودسازی دید	دیوارچینی بخشی، نرده و پوشش گیاهی؛ محدودسازی دید	تشویق به استفاده مشترک؛ حفظ تعامل همسایگی؛ احساس باز بودن و امنیت؛ زندگی جمعی درون‌محور؛ خودبستگی خدمات؛ تطبیق‌پذیری سبک زندگی سنتی با آپارتمان‌نشینی
مجتمع اسکان	پیوند مستقیم با خیابان ولیعصر و میرداماد؛ ورودی از مرکز خرید	جداسازی با حجم ساختمان؛ کنترل جریان ورودی از لابی	جداسازی با حجم ساختمان؛ کنترل جریان ورودی از لابی	سبک زندگی ترکیبی؛ شهری - خصوصی؛ ترکیب زندگی مسکونی - تجاری؛ ایجاد حس «زندگی شهری عمودی»
برج آ.اس.پ	آمیختگی بالا با بافت شهری؛ حضور فعال واحدهای تجاری؛ جریان رفت‌وآمد عمومی	محصوریت ملایم با نرده‌ها؛ جداسازی تدریجی قلمرو خصوصی	محصوریت ملایم با نرده‌ها؛ جداسازی تدریجی قلمرو خصوصی	تقویت زندگی جمعی؛ زندگی شهری باز اما کنترل‌شده؛ شکل‌گیری هویت شهری شناخته‌شده
برج دوما	ارتباط محدود با خیابان؛ حس برون‌گرایی کمتر	اختلاف تراز با خیابان؛ حصار و محوطهٔ جدا	اختلاف تراز با خیابان؛ حصار و محوطهٔ جدا	تقویت حس تمایز و برج‌نشینی ممتاز؛ کاهش تعامل با پیرامون؛ افزایش فاصلهٔ اجتماعی
برج	پیوند مستقیم با	محوطه محصور با	محوطه محصور با	ایجاد اجتماع داخلی

نام مجتمع	نوع ارتباط با شهر	سازوکارهای جداسازی/مرزبندی	سازوکارهای جداسازی/مرزبندی	پیامدهای اجتماعی - فرهنگی و نمود سبک زندگی
سامان	شهر بدون گسست کالبدی؛ ورودی هم سطح خیابان	دیوار و گیاه؛ کنترل جریان رفت و آمد	دیوار و گیاه؛ کنترل جریان رفت و آمد	قوی تر؛ شهرنشینی کنترل شده؛ کاهش اختلاط با شهر؛ افزایش امنیت و کنترل؛ شکل گیری سبک زندگی نیمه خصوصی
پارک پرنس	تعامل دوگانه: فضاهای تجاری عمومی در کنار سکونت کاملاً محصور	۱۰ ورودی، نگهداری ۲۴ ساعته، لایه های امنیتی	۱۰ ورودی، نگهداری ۲۴ ساعته، لایه های امنیتی	تقویت حس «زندگی خصوصی»؛ زندگی خصوصی چند لایه؛ کاهش تعامل با شهر؛ افزایش هویت جمعی ساکنان؛ افزایش فاصله طبقاتی
برج بین المللی تهران	ارتباط مستقیم با خیابان؛ فرارگیری در مرکز شبکه بزرگراهی	حصار شفاف؛ کنترل ورودی در لابی و پارکینگ	حصار شفاف؛ کنترل ورودی در لابی و پارکینگ	تقویت هویت برج نشینی؛ کاهش تعامل همسایگی؛ گسترش سبک زندگی جهانی شده

۳-۴. فضاهای رفاهی، مشاعات و بازتعریف تجربه سکونت در بلندمرتبه‌های آغازین تهران بررسی نخستین مجتمع‌ها و برج‌های بلندمرتبه مسکونی تهران نشان می‌دهد که ورود سکونت در ارتفاع، صرفاً تغییری در فرم ساختمانی نبوده، بلکه با بازتعریف تدریجی شیوه زیست شهری، الگوهای تعامل اجتماعی و نسبت ساکنان با فضا همراه بوده است. تحلیل داده‌های اسنادی و کالبدی این مجتمع‌ها حاکی از آن است که هرچه از نمونه‌های اولیه به سمت نمونه‌های متأخرتر حرکت می‌کنیم، فضاهای رفاهی و مشاع از کارکردهای حداقلی به نظامی پیچیده‌تر از فضاهای نیمه عمومی، کنترل شده و برنامه‌ریزی شده تبدیل می‌شوند.

در مجتمع‌های اولیه‌ای چون بهجت‌آباد، فضاهای رفاهی نظیر استخر روباز، حیاط مرکزی و زمین بازی، بیش از آنکه بازتولید دقیق الگوی زندگی جمعی باشند، نشانه‌هایی از گذار از

خانه‌های حیاط‌دار به سکونت آپارتمانی را بازنمایی می‌کنند. وجود لابی‌های مجزا، راهروهای مشترک و آسانسور، به‌عنوان عناصر نوظهور، الگوهای جدیدی از هم‌جواری و مواجههٔ اجتماعی را شکل می‌دهد؛ مواجهه‌هایی که در مقایسه با روابط گسترده و غیررسمی خانه‌های سنتی، کنترل‌شده‌تر و مبتنی بر هم‌حضوری گذرا هستند. در این مرحله می‌توان از شکل‌گیری نوعی «سبک زندگی طبقهٔ متوسط مدرن» سخن گفت که تمایز خود را نه از طریق تعاملات گسترده، بلکه از طریق دسترسی به امکانات جدید و نظم فضایی متفاوت تعریف می‌کند. در مجتمع اسکان، این روند تکامل‌یافته‌تر می‌شود. ترکیب فضاهای رفاهی (استخر، فضای سبز)، فضاهای نیمه‌عمومی و حضور مرکز خرید در درون مجموعه، نشان‌دهنده تلاشی برای درون‌زا کردن بخشی از زندگی روزمره شهری در کالبد مجتمع است. لابی‌های وسیع‌تر و پارکینگ‌های زیرزمینی، مرز میان فضای عمومی شهر و فضای سکونتی را تقویت می‌کند و نوعی «زیست مجتمع‌محور» را رقم می‌زند؛ زیستی که در آن تعامل اجتماعی همچنان وجود دارد، اما در چهارچوب‌هایی از پیش تعریف‌شده و قابل کنترل صورت می‌گیرد.



شکل ۱۱. پلان مشاعات برج دوما در (امانیه برگرفته از اسناد شهرداری)

نمونه‌هایی مانند برج آ.اس.پ و برج‌های دومای امانیه نقطهٔ عطف مهمی در این مسیر به‌شمار می‌آیند. در این مجتمع‌ها تنوع فضاهای رفاهی (استخر، سالن اجتماعات، مهدکودک،

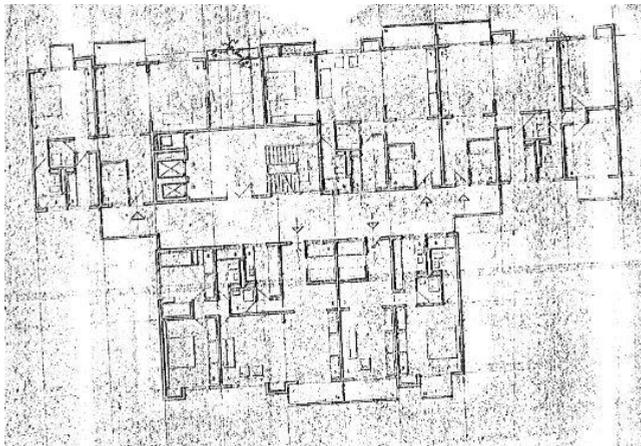
فضاهای تجاری و ورزشی) و کیفیت طراحی مشاعات، امکان شکل‌گیری سطوح متکثری از تعامل اجتماعی را فراهم می‌کند. این فضاها نه کاملاً خصوصی‌اند و نه عمومی؛ بلکه در سطحی نیمه‌خصوصی قرار می‌گیرند که هم حس تعلق به مجتمع را تقویت می‌کند و هم امنیت و نظم فضایی را افزایش می‌دهد. از منظر سبک زندگی، این مرحله با پذیرش تدریجی زندگی آپارتمانی مدرن‌تر و لوکس‌تر همراه است؛ جایی که کیفیت فضا و خدمات، بخشی از هویت سکونت ساکنان را شکل می‌دهد.

در برج‌های دوقلوی سامان و به‌ویژه مجتمع پارک د پرنس، فضاهای مشاع به‌طور آشکار به ابزار سامان‌دهی زندگی جمعی بدل می‌شوند. لابی‌های بزرگ، پارکینگ‌های اختصاصی، انباری‌های مجزا و فضاهای سبز نیمه‌عمومی، الگوی سکونت را تقویت می‌کنند که در آن تعامل اجتماعی محدود، انتخابی و مبتنی بر هم‌مکانی کنترل‌شده است. این ویژگی‌ها را می‌توان نشانه‌ای از تثبیت سبک زندگی مدرن آپارتمانی دانست؛ سبکی که در آن امنیت، رفاه و مدیریت فضا، بر صمیمیت و روابط گسترده همسایگی اولویت می‌یابد. اوج این روند را می‌توان در برج بین‌المللی تهران مشاهده کرد؛ جایی که مجموعه‌ای جامع از امکانات رفاهی، فضاهای سبز طراحی‌شده، سیستم‌های هوشمند و سطوح مختلف دسترسی، سکونت را به تجربه کاملاً برنامه‌ریزی‌شده تبدیل می‌کند. در این الگو، سبک زندگی نه تنها متأثر از کالبد، بلکه درون کالبد رمزگذاری شده است: تفکیک حوزه‌های عمومی و نیمه‌خصوصی، کنترل تردد، و وفور خدمات، نوعی زیست شهری لوکس، ایمن و خودبسنده را بازنمایی می‌کند که با تجربه سکونت سنتی تفاوتی بنیادین دارد.

در مجموع، تحلیل بلندمرتبه‌های آغازین تهران نشان می‌دهد تحولات کالبدی این مجتمع‌ها، زمینه‌ساز گذار تدریجی از سکونت حیاط‌محور به سبک زندگی آپارتمانی مدرن بودند. هرچند این پژوهش بر داده‌های اسنادی و کالبدی تکیه دارد و مدعی بازنمایی مستقیم تجربه زیسته ساکنان نیست، اما الگوهای فضایی، نوع مشاعات و نحوه سازمان‌دهی امکانات نشانه‌هایی معتبر از تغییر در شیوه‌های زیست، تعامل اجتماعی، و تعریف حریم را آشکار می‌سازند.

۴-۴. سازمان فضایی داخلی واحدها در مجتمع‌های مسکونی بلندمرتبهٔ آغازین

تحلیل سازمان فضایی واحدهای مسکونی در هفت مجتمع مورد مطالعه (بهجت‌آباد، اسکان، آ.اس.پ، سامان، دوما، پارک د پرنس، و برج بین‌المللی تهران) نشان می‌دهد تحولات کالبدی درونی این بناها، مجموعه‌ای از امکان‌مندی‌های فضایی جدید را برای سکونت در ارتفاع فراهم کردند. این امکان‌مندی‌ها را می‌توان در چهار محور اصلی دسته‌بندی کرد که هر یک، بالقوه با شیوه‌های تازه‌ای از زیست روزمره، تنظیم روابط خانوادگی و تجربهٔ حریم خصوصی در ارتباط بودند.



شکل ۱۲. پلان مسکونی برج دومای امانیه (برگرفته از اسناد شهرداری)

۴-۴-۱. تنوع تیپ و مترای واحدها

در نمونه‌های اولیه مانند بهجت‌آباد و اسکان، تیپ‌بندی واحدها محدود و عمدتاً شامل آپارتمان‌های یک تا چهارخوابه با مترای متوسط تا بزرگ (حدود ۸۰ تا ۲۰۰ مترمربع) بود. تعداد اندک واحدها در هر طبقه (بهجت‌آباد: دو واحد؛ اسکان: چهار تا شش واحد) شرایطی را فراهم می‌کرد که نورگیری، تهویه و فاصله‌گذاری فضایی میان همسایگان تقویت شود؛ امری که می‌توان آن را تداوم‌یافته‌ای از منطق سکونت کم‌تراکم پیشین دانست.

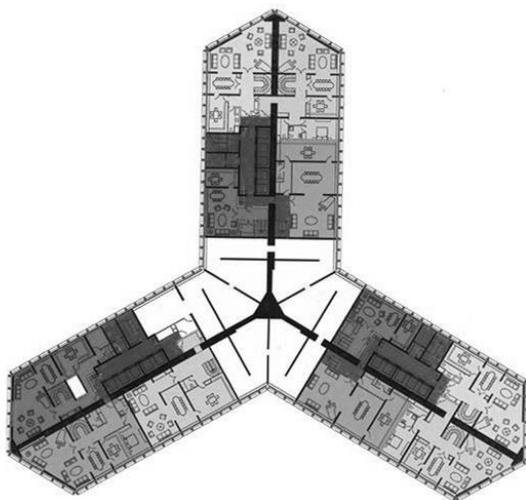
در نمونه‌های متأخرتر مانند آ.اس.پ و پارک پرنس، ورود تیپ‌های متنوع‌تری چون پنت‌هاوس‌های دوبلکس و تریپلکس، سوئیت‌ها و واحدهای ترکیبی تجاری-مسکونی، دامنه انتخاب سکونتی را گسترش داد. در برج‌های دوما و سامان نیز با وجود مترای نسبتاً بالا

(۱۵۰ تا ۴۰۰ مترمربع)، انعطاف‌پذیری پلان‌ها و ترکیب واحدها، امکان تطبیق فضا با نیازهای متنوع‌تری از ساکنان را فراهم می‌کرد. برج بین‌المللی تهران با گسترده‌ترین طیف متراف (۴۰ تا ۳۰۰ مترمربع) و تعداد بالای واحدها، الگویی از سکونت عمودی انبوه اما متنوع را معرفی می‌کند که میان واحدهای تیبیکال و واحدهای لوکس پیوند برقرار می‌سازد.

۴-۴-۲. تفکیک حوزه‌های خصوصی و عمومی

در بهجت‌آباد و اسکان، سازمان فضایی واحدها بر تفکیک صریح فضاها (عمومی (نشیمن و پذیرایی) و خصوصی (اتاق‌های خواب) استوار است. آشپزخانه‌های بسته، فقدان فضاها خدماتی مستقل و تراس‌های محدود، الگویی نزدیک به خانه‌های متعارف پیشین را بازتولید می‌کردند.

در مقابل، در مجتمع‌هایی مانند آ.اس.پ، سامان، و دوما با ورود آشپزخانه‌های باز یا نیمه‌باز، اتاق خدمتکار یا فضاها کاری کوچک، و تراس‌های قابل استفاده، مرز میان فضاها عمومی و خصوصی انعطاف‌پذیرتر شد. در پارک پرنس و برج بین‌المللی، پلان‌های باز، آشپزخانه‌های جزیره‌ای و فضاها چندمنظوره (نشیمن، ناهارخوری، کار) نشان‌دهنده تغییر در شیوه سامان‌دهی زندگی روزمره و امکان بازتعریف روابط درون‌خانگی است.



شکل ۱۳. پلان طبقات برج بین‌المللی

۴-۳-۴. فضاهای خدماتی و اتاق‌های کمکی

در نمونه‌های اولیه، فضاهای خدماتی به حداقل محدود می‌شدند و انباری یا اتاق خدمتکار به صورت مستقل وجود نداشت. اما از آ.اس.پ و دوما به بعد، ورود رخت‌شوی‌خانه، انباری مجزا و اتاق خدمتکار به پلان‌ها مشاهده می‌شود. در پارک پرنس و برج بین‌المللی، این روند با خدمات متمرکز (خشک‌شویی، کارواش، فضاهای مدیریتی و سیستم‌های هوشمند) تکمیل شده و نشان‌دهندهٔ حرفه‌ای‌شدن مدیریت سکونت و جدایی بیشتر فعالیت‌های خدماتی از فضای زندگی روزمره است.

۴-۴-۴. تراس و ارتباط با منظر شهری

در بهجت‌آباد و اسکان، تراس‌ها عمدتاً نقشی حداقلی و عملکردی (گردش هوا و نور) داشتند. در مقابل، در آ.اس.پ و دوما، تراس‌های بزرگ و قابل نشیمن به‌عنوان فضایی واسط میان خانه و شهر عمل می‌کردند. در پارک پرنس و برج بین‌المللی، تراس‌های پیوسته و بالکن‌های عریض با جداره‌های شفاف، تجربه‌ای تازه از هم‌نشینی فضایی در ارتفاع و مواجهه دیداری با شهر را ممکن می‌سازند.

در مجموع، تحولات سازمان فضایی داخلی واحدها از دههٔ ۱۳۴۰ به بعد، نشان‌دهندهٔ گذار از الگوی سکونت حداقلی و عملکردمحور به سوی صورت‌بندی پیچیده‌تری از زندگی عمودی است؛ صورت‌بندی‌ای که امکان رفاه بیشتر، استقلال فضایی، و تعامل و روابط اجتماعی کنترل‌شده را فراهم می‌کند. این یافته‌ها، بیش از آنکه به‌معنای تحقق قطعی تغییر در سبک زندگی باشند، بیانگر ظرفیت‌های کالبدی نوینی هستند که بستر شکل‌گیری تجربه‌های تازه سکونتی در شهر تهران را مهیا کردند.

۴-۵. بازتاب اجتماعی و تجربیات ساکنان نخستین برج‌های مسکونی تهران براساس

گزارش‌های روزنامه‌ای

در تاریخ معماری معاصر ایران، ساختمان‌های بهجت‌آباد و ساعی به‌عنوان نخستین بلندمرتبه‌های مسکونی، نقطهٔ عطفی در تحول سبک زندگی شهری به‌شمار می‌روند. ساختمان‌های بهجت‌آباد و ساعی، نخستین بلندمرتبه‌های مسکونی ایران، در زمان خودشان با نمایی متفاوت و طراحی

مدرن، سبک جدیدی را برای زندگی در تهران تبلیغ می‌کردند که اگرچه آن زمان به‌سرعت در جامعه شهری تهران متداول نشد، اما در دهه‌های بعد استانداردهای به‌کاررفته در این ساختمان‌ها و سبک و سیاق طراحی‌شان بخشی از طبقه متوسط شهری به‌ویژه طبقه شهری فرهنگی و تحصیل‌کرده را جذب کرد و در واقع شاید آن‌قدر که برای چند نسل بعد جذاب به‌نظر رسید در زمان خودش به‌دلیل تغییراتی که متوجه روند روزمره زندگی مردم می‌کرد، جذاب به‌نظر نمی‌رسید و در اولویت‌های بعدی قرار می‌گرفت، اما حالا مشتریان خاص خودش را دارد، نه فقط بهجت‌آباد که همه برج‌های قدیمی تهران، مانند اسکان، سامان یا برج‌های قدیمی شهرک غرب طرفداران خاص خود را دارند که به زندگی در آن‌ها علاقه‌مند هستند. با توجه به اینکه خیلی از مسائل برج‌نشینی برای نخستین بار در پروژه بهجت‌آباد در جامعه ایرانی تجربه شد، این مجموعه را می‌توان پیشگام فرهنگ آپارتمان‌نشینی و دارای ارزش‌های جامعه‌شناسانه دانست. از همان زمان تا به امروز بهجت‌آباد نشانی از تجدد را در خودش داشته و به یک ارزش و ویژگی برای آن تبدیل شده است (روزنامه شهروند، نهم خرداد ۱۳۹۶).

ساختمان‌های بهجت‌آباد و ساعی با طراحی و امکانات متنوع، بسیار جلوتر از زمان خود ساخته شده بودند و حتی استفاده از بخشی از امکانات این ساختمان‌ها برای مردم آن زمان ممکن نبود. در سال‌های ۱۳۴۶-۱۳۴۸ ساختمانی که استخر روباز داشته باشد و همه بتوانند از بالا آن را ببینند، با سبک زندگی ایرانی بسیار مغایر بود؛ اما در سال ۱۳۵۵ این تغییرات در سبک زندگی عادی شده بود. در نتیجه، نخستین گروه‌هایی که در بهجت‌آباد ساکن شدند، کسانی بودند که سبک زندگی جدید را انتخاب کرده بودند. در آن زمان، مفهوم همسایگی به‌شکل مشخصی تعریف شده بود و ساکنین این آپارتمان‌ها در فاصله‌ای با تیغه حدود ۲۰ سانتی‌متری از یکدیگر قرار می‌گرفتند. این نزدیکی باعث می‌شد صداها به راحتی رد و بدل شوند و ساکنین کفش‌های خود را جلوی در می‌گذاشتند، به طوری که رفت و آمد افراد در این فضا به وضوح قابل مشاهده بود. این مسائل در زندگی آن روزهای ایران جدید بودند و چندان مورد استقبال مردم عادی قرار نگرفتند. نزدیکی فیزیکی و نبود حریم خصوصی در این نوع آپارتمان‌ها، به‌ویژه برای افرادی که به زندگی در فضاهای بزرگ‌تر و با حریم خصوصی بیشتر عادت کرده بودند، چالش‌هایی ایجاد کرد. به همین دلیل، وقتی این ساختمان‌ها به بهره‌برداری رسیدند، چندان مورد استقبال قرار نگرفتند. نخستین کسانی که در بهجت‌آباد ساکن شدند،

بیشتر کارمندان بودند یا فرزند کارمندانی که بروکراسی آنها را وادار کرده بود نگاهشان به توسعهٔ مدرن و قبول مدرنیته باشد و کم‌وبیش زندگی به سبک جدید را شروع کردند و به تدریج با چالش‌ها و ویژگی‌های زندگی در این نوع آپارتمان‌ها سازگار شدند (روزنامهٔ شهروند، نهم خرداد ۱۳۹۶).

با وجود این‌که تکنولوژی ساخت ساختمان‌های بهجت‌آباد از نظر معمارانه حساب‌شده بود و نظام فضایی اروپایی را دنبال می‌کرد، اما بحث عدم تداخل فضای عمومی و خصوصی در آن باتوجه‌به فرهنگ ایرانی به‌وضوح دیده می‌شد. به‌عنوان مثال، مفهوم آشپزخانهٔ این در این فضاها معنایی نداشت. اگرچه تلاش‌هایی برای ایرانی‌کردن فضای زندگی در برج‌ها صورت گرفته بود، اما زندگی در این ساختمان‌ها برای مردم تهران با اما و اگرهای فرهنگی و اجتماعی زیادی همراه بود. مسائل مختلفی از جمله نزدیکی همسایگی و مشکلاتی که امروز شاید پیش‌پافتاده به‌نظر برسند، همچون استفاده از آسانسور در بدو ورود به ایران، چالش‌های بی‌شماری داشت. اگرچه فرزندان طبقات متوسط جدید خود را برای زندگی در مجتمع‌های جدید آماده می‌دیدند، اما با خانواده‌های سنتی‌شان که با زندگی در آپارتمان‌ها مخالف بودند و در برابر بخشی از تجهیزات جدید و مدرن آن مقاومت می‌کردند، دچار کشمکش بودند. این تضاد فرهنگی و اجتماعی، به‌ویژه در مراحل اولیهٔ زندگی در این ساختمان‌ها، تأثیر زیادی بر تجربه و سبک زندگی ساکنین داشت. در ابتدای روند بلندمرتبه‌سازی، هدف از ساخت ساختمان‌های بهجت‌آباد تأمین مسکن برای طبقات ضعیف‌تر جامعه بود، درحالی‌که ساختمان‌های ساعی برای گروه‌های مدرن و مرفه‌تر هدف‌گذاری شده بودند. دربارهٔ ساختمان‌های ساعی در خیابان ولی‌عصر، شرایط متفاوتی وجود داشت. این ساختمان که هم‌زمان با بهجت‌آباد ساخته شد و به بهره‌برداری رسید، در جذب مخاطبان طبقات بالا و مرفه موفق‌تر عمل کرد. اگرچه بخشی از خریداران واحدهای آن افرادی بودند که به‌دستور مراجع بالاتر ملزم به خرید در این آپارتمان‌ها شده بودند، اما مجتمع ساعی به‌سرعت به فروش رفت، زیرا مخاطب هدفش قشر مرفه‌تر و مدرن‌تر آن دوران بود و در جذب این گروه نیز موفق شدند. در واقع بعد از موفقیت ساعی بود که ساختمان‌های اسکان و بلندمرتبه‌های دیگر ساخته شدند. نخستین بلندمرتبه‌های مسکونی با قدمت بیش از ۵۰ سال، به‌دلیل طراحی خوب و استانداردها و امکاناتی که دارند، هنوز هم قابلیت زندگی را دارند و بسیاری از ساکنان به

زندگی در آن‌ها ادامه می‌دهند. این موضوع نشان‌دهنده اهمیت طراحی و توجه به نیازهای ساکنان در ایجاد فضاهای مسکونی است (روزنامه شهروند، نهم خرداد ۱۳۹۶).

در برج اسکان، وجود اتاق‌های خواب با کاربری مشخص و به تعداد زیاد جز اولین مواردی بود که در طراحی متفاوت این برج با سایر مجتمع‌ها دیده می‌شد. علاوه بر آن طراحان تلاش کردند با طراحی بالکن‌ها در واحدهای مسکونی، فضایی شبیه به خانه‌های ویلایی را برای ساکنین به وجود بیاورند. بالکن‌هایی که به لحاظ کارکردی و احساسی، حیاط را برای ساکنین تداعی می‌کردند و به نوعی جدایی ساکنین از حیاط‌های سنتی را آسان‌تر می‌ساختند. این طراحی به ساکنان این امکان را می‌دهد که فضایی خصوصی و درعین حال باز و ارتباط‌پذیر با محیط اطراف داشته باشند (روزنامه اقتصاد، هفتم اسفند ۱۳۹۳).

از مهم‌ترین امکاناتی که برای تمامی واحدهای مسکونی برج اسکان در نظر گرفته شده است می‌توان به سالن پذیرایی، آشپزخانه دارای انباری، بالکن بزرگ، اتاق‌های خواب استاندارد، رختشوی‌خانه، سرویس بهداشتی مجزا مخصوص میهمان، فرزندان و صاحبخانه، حمام و یک اتاق مجزا مخصوص مستخدم با تمام امکانات اشاره کرد. سیستم شوئینگ زباله، زباله‌سوز، تصفیه‌خانه فاضلاب، مرکز تلفن، منبع آب در پشت‌بام برای مواقع اضطراری، برق اضطراری، آتش‌نشانی، ردیاب دود، آسانسور مخصوص حمل بار و نفر، دستگاه چیلر، پمپ‌های آب، سیستم موتورخانه با بهترین دستگاه‌ها از دیگر امکانات این برج به حساب می‌آیند. هم‌چنین استخری برای بزرگسالان و کودکان طراحی و اجرا شده است که امکان استفاده از آن برای ساکنین در هر ساعتی از روز فراهم است. در این ساختمان یک مرکز تجاری و اداری در ۲ طبقه به صورت دو طبقه مستقل و با فضایی باز طراحی و اجرا شده است. امکان دسترسی ساکنین را به مراکز خرید مختلف نظیر طلا، پوشاک، کافی‌شاپ و ... فراهم می‌سازد. مهم‌تر آنکه ساکنین برای انجام خرید روزانه به خارج شدن از مجموعه نیاز ندارند (لالمی، ۱۳۹۸).

بسیاری از این امکانات باعث به وجود آمدن سبک جدیدی از زندگی شده‌اند. اتاق مجزای مخصوص مستخدم نیاز به کمک گرفتن از یک مستخدم برای انجام امور خانگی را پررنگ می‌ساخت. ساکنین حداقل بخشی از نیازهای اولیه خویش را به واسطه مرکز خرید خود

مجموعه تأمین می‌کند و به‌نوعی امکان تعامل فرد با محیط و سایر افراد را ممکن می‌شود. بحث ارتباطات و تعامل اجتماعی در آن روزگار حائز اهمیت بوده است.

وجود فضاهای مورد علاقهٔ نوجوانان در برج آ.اس.پ باعث شد نوجوانان ترجیح دهند وقت خود را در محوطهٔ برج سپری کنند و از آن خارج نشوند. این موضوع برای بسیاری از والدین خوشایند بوده و آرامش خاطر بیشتری برای آنها فراهم می‌کرد. خانواده‌هایی که فرزند کوچک داشتند با وجود مهدکودک در برج‌های آ.اس.پ، از این جهت بی‌نیاز می‌شدند؛ تا با خطری آسوده فرزندانشان را در نزدیکی محل زندگی‌شان به مهدکودک بفرستند و احتیاج به سفرهای درون‌شهری به این منظور تا حد زیادی کاهش می‌یابد. وجود سالن همایش و اجتماعات در برج برای تشکیل جلسات تصمیم‌گیری مربوط به امور ساختمان است. با توجه به تعداد بالای ساکنان برج، بدیهی است که صمیمیت و آشنایی افراد برج با هم بسیار کم باشد. برای آشنایی بیشتر ساکنان برج با یکدیگر و برگزاری جلسات مهم برج، وجود یک سالن اجتماعات ضروری به‌نظر می‌رسد. بنابراین این سالن در برج برای مناسبت‌های مختلف آماده می‌شود و ساکنان می‌توانند در جلسات برج با هم آشنا شوند و تعامل داشته باشند (مقدسی و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۹-۸۰).

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد نخستین مجتمع‌های بلندمرتبهٔ مسکونی تهران نه‌تنها شکل کالبدی سکونت را متحول کردند، بلکه سبک زندگی ساکنان را به‌گونه‌ای عمیق تحت‌تأثیر قرار دادند. تحولات کالبدی این مجتمع‌ها، از جمله سازمان فضایی، دسترسی‌های چندگانه، فضاهای عمومی و نیمه‌خصوصی، مشاعات و امکانات رفاهی، و تنوع تیپ و تراژ واحد‌ها نقشی محوری در ایجاد الگوهای تازه‌ای از زندگی شهری ایفا کردند. این فضاها تجربه‌ای نو از نزدیکی فیزیکی، کاهش حریم خصوصی، و تعامل اجتماعی کنترل‌شده فراهم آوردند، به‌گونه‌ای که سکونت در بلندمرتبه‌ها با مفهوم سنتی خانه‌های حیاطدار یا آپارتمان‌های کوتاه‌مرتبه تفاوت بنیادین داشت.

یافته‌ها نشان می‌دهد برج‌های آغازین مانند بهجت‌آباد و ساعی تجربه‌ای فرهنگی-اجتماعی نو را در جامعهٔ شهری تهران معرفی کردند؛ تجربه‌ای که ابتدا برای بسیاری از شهروندان

نامأنوس بود، اما به تدریج به استاندارد برای طبقه متوسط شهری تبدیل شد. تحولات بعدی در برج‌هایی همچون آ.اس.پ، پارک پرنس و برج بین‌المللی، با ارائه امکانات رفاهی گسترده، فناوری‌های نوین و فضاهای چندمنظوره، سبک زندگی شهری را به سمت وابستگی به خدمات درون‌ساختی، تجربه سکونت عمودی و هم‌نشینی کنترل‌شده هدایت کردند.

از دید انسان‌شناسی شهری، این روند نشان‌دهنده پیوند میان طراحی فضا، تغییرات فرهنگی و بازتعریف هنجارهای زندگی جمعی است. نخستین بلندمرتبه‌های تهران با ایجاد فضاهای مشترک و نیمه‌خصوصی، تغییر در مفاهیم حریم و همسایگی، و ترکیب زندگی شهری با رفاه و امنیت، الگویی تازه از زندگی مدرن شهری را بنیان گذاشتند. این تحول، علاوه بر پاسخ به نیازهای مسکن، بر هویت اجتماعی، رفتارهای روزمره و تعاملات فرهنگی ساکنان اثرگذار بود و نخستین نشانه‌های تطبیق جامعه ایرانی با تجدد و زندگی آپارتمانی را نمایان ساخت.

در مجموع، مطالعه تحولات بلندمرتبه‌های آغازین تهران، تأثیر طراحی کالبدی بر سبک زندگی شهری را روشن می‌سازد و یافته‌ها بر این نکته تأکید دارند که ساختار فضایی، سازمان‌دهی واحدها، فضاهای مشترک و امکانات رفاهی نه تنها کیفیت سکونت را تحت تأثیر قرار دادند، بلکه هنجارهای اجتماعی، رفتارهای جمعی و تجربه زیست شهری ساکنان را نیز دگرگون کردند. این تحولات، هم‌زمان با ایجاد نزدیکی فیزیکی و تعامل اجتماعی کنترل‌شده، به بازتعریف حریم خصوصی و الگوهای همسایگی انجامید و مفاهیم سنتی سکونت ایرانی را با الزامات مدرنیته تلفیق کرد. از منظر انسان‌شناسی شهری، این پژوهش نشان می‌دهد تطبیق انسان با فضاهای نوین شهری فراتر از سازگاری فیزیکی است و شامل بازآفرینی هویت اجتماعی، تغییر در رفتارهای روزمره و شکل‌گیری شیوه‌های جدید زندگی جمعی می‌شود. بنابراین، نتایج این مطالعه می‌تواند بینش‌های ارزشمندی درباره فرایندهای مدرنیزاسیون، بازتعریف هنجارهای سکونت و تعامل میان فرهنگ، اجتماع و معماری شهری ارائه دهد.

درصد مشارکت نویسندگان

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه نویسنده اول با عنوان «واکاوی سیر تحول مسکن بلندمرتبه و تأثیر آن بر تغییرات سبک زندگی شهروندان در دهه‌های اخیر (آپارتمان‌های مسکونی منطقه یک تهران)» به راهنمایی نویسنده دوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی بوده است.

منابع

- امیدی حسین آبادی، مهدیه؛ و احمدی، قادر. (۱۳۹۹). بررسی الگوهای تراکمی توسعه عمودی مسکن (بلندمرتبه‌سازی) و تحلیل تأثیرات آن بر کیفیت زندگی (نمونه موردی: ناحیه ۳ منطقه ۲۲ تهران). *اقتصاد و برنامه‌ریزی شهری*، ۱(۲)، ۹۲-۱۰۵.
- آرین، مریم؛ منصوری مؤید، فرشته؛ و کردنائیج، اسداله. (۱۳۹۷). رضایتمندی از برند و قصد خرید مجدد مصرف‌کننده: تبیین نقش سبک زندگی و ارزش لذت‌جویانه. *پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی*، ۱(۸)، ۱-۲۱.
- بانی مسعود، امیر. (۱۳۸۸). معماری معاصر ایران، نشر هنر معماری قرن، تهران.
- باینگانی، بهمن؛ ایراندوست، فهیم؛ و احمدی، سینا. (۱۳۹۲). سبک زندگی از منظر جامعه‌شناسی، مقدمه‌ای بر شناخت و واکاوی مفهوم سبک زندگی. *مهندسی فرهنگی*، ۸(۷۷)، ۷۴-۵۶.
- بندکیتز، رولاند. (۱۳۹۲). *سبک‌های زندگی*. ترجمهٔ محمدرضا حسن‌زاده، مطالعات سبک زندگی، (۵)-۲(۶)، ۲۰۱-۲۱۲.
- پاکدل‌فرد، محمدرضا. ذبیحی، حسین؛ و نقی‌زاده، محمد. (۱۳۹۴). مدیریت مؤلفه‌های اجتماعی و انسانی در مسکن مطلوب اسلامی. *فصلنامهٔ مدیریت شهری*، (۴۳)، ۵۱-۶۶.
- پوردیهیمی، شهرام. (۱۳۹۰). *فرهنگ و مسکن. مسکن و محیط روستا*، (۱۳۴)، ۳-۱۸.
- پوردیهیمی، شهرام؛ زمانی، بهادر؛ و تاجی، صمد. (۱۳۹۰). رویکردی انسانی به مسکن. *صفه*، (۵۴)، ۵-۱۴.
- توکلی کازرونی، مهدی، و کشمیری، هادی. (۱۳۹۷). تأثیر عوامل بلندمرتبه بر ارتقاء فرهنگ سکونتگاهی شهر شیراز با بهره‌گیری از مدل تحلیل شکاف. *معماری و شهرسازی ایران*، ۹(۱۶)، ۱۷-۳۲.
- خداخواه‌جدی، ساناز، قبادیان، وحید، و تیزقلم‌زنوزی، سعید. (۱۴۰۱). ارزیابی نقش مسکن در کیفیت زندگی شهروندان (نمونه موردی: منطقه ۱۲ کلان‌شهر تهران). *مطالعات هنر اسلامی*، ۱۹(۴۵)، ۱۷۶-۱۸۶.
- دانشپور، سید عبدالهادی؛ مهدوی نیا، مجتبی؛ و غیائی، محمد مهدی. (۱۳۸۸). جایگاه دانش روان‌شناسی محیطی در ساختمان‌های بلندمرتبه با رویکرد معماری پایدار. *هویت شهر*، ۳(۵)، ۲۹-۳۸.

ذبیحی، حسین؛ رهبری‌منش، کمال و حبیب، فرح. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین میزان رضایت از مجتمع‌های مسکونی و تأثیر مجتمع‌های مسکونی بر روابط انسان. نشریه هویت شهر. ۵(۸)، ۱۰۳-۱۱۸.

رپاپورت، آموس. (۱۳۸۸). *انسان‌شناسی مسکن*. ترجمه خسرو افضلیان. مشهد: کتابکده کسری. روزنامه دنیای اقتصاد (۲۴ خرداد ۱۳۸۶). *برج‌های دوقلوی سامان*. روزنامه شهروند، (نهم خرداد ۱۳۹۶). *ساختمان‌های بهجت آباد و ساعی*. زارع شهامتی، مهسا؛ صحراگردمنفرد، ندا؛ و یزدانفر، سیدعباس. (۱۴۰۲). شناسایی و اولویت‌بندی راهکارهای مسکن انعطاف‌پذیر منطبق با سبک زندگی (مطالعه موردی: استان تهران). *هویت شهر*، ۱(۱۷)، ۴۹-۶۲.

سیدین، سیدامین، و عقلی مقدم، کسری. (۱۳۹۴). تأثیر بلندمرتبه‌سازی بر انعطاف‌پذیری محیط و پایداری آن. *معماری و شهرسازی آرمان شهر*، ۱۵(۱)، ۲۳۵-۲۴۳. شجاعی، محمد؛ و پولادی، پیمان. (۱۳۹۸). *مطالعه ضرورت‌ها و چالش‌های بلندمرتبه‌سازی (مطالعه موردی: شهرستان چالوس)*. *جغرافیا و روابط انسانی*، ۲(۱)، ۱۳۲-۱۴۹. شصتی، شیماء؛ و فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۹۳). رابطه میان سبک زندگی و مسکن ایرانی (با تکیه بر نظریه «جامعه کوتاه‌مدت» و نظریه «راهبرد و سیاست سرزمینی جامعه ایران»). *فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی*، ۶(۳)، ۱۳۷-۱۱۷. صداقتی، عاطفه. (۱۴۰۱). بازتاب سبک نوین زندگی شهری بر ترجیحات افراد و مؤلفه‌های توسعه مسکن اسلامی. *فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی*، ۷(۱)، ۱-۲۰. طاهری، جعفر. (۱۳۹۲). معماری، سبک‌زندگی و اندیشه سبز. نخستین کنفرانس ملی ساختمان سبز، مشهد، ۵-۱۶.

علی‌پور، ربابه؛ محمودی، سیدامیرسعید؛ و آقالطیفی، آزاده. (۱۳۹۹). بررسی ارتباط عوامل مؤثر بر سبک زندگی و کالبد خانه معاصر در شهر مشهد. *دوفصلنامه اندیشه معماری*، ۴(۸)، ۶۹-۸۴. عنوانی، سیدحامد؛ سیدموسوی، سیدحسین؛ فخار نوغانی، وحیده؛ و حسینی‌شاهرودی، سیدمرتضی. (۱۳۹۷). رویکرد سیستمی در تعریف سبک زندگی. *نشریه معرفت فرهنگی اجتماعی*، ۹(۱)، ۸۱-۹۸.

فاریابی، فهیم، و یزدان فر، سیدعباس. (۱۳۹۹). تأثیر شیوه زندگی بر سازمان فضایی خانه (مطالعه موردی: شهرستان کرمان). *معماری اقلیم گرم و خشک*، ۸(۱۲)، ۱۹۷-۲۲۰. فاضلی، محمد. (۱۳۹۹). *مصرف و سبک زندگی*. ویراست ۱، تهران: علمی فرهنگی.

فروودی، رحمت‌الله؛ و محمدی، علیرضا. (۱۳۸۰). تأثیر احداث ساختمان‌های بلندمرتبه بر کاربری‌های شهری مطالعه موردی مناطق ۱، ۲ و ۳ شهر تهران. *پژوهش‌های جغرافیایی*، (۴۱)، ۷۱-۸۲.
فکوهی، ناصر؛ و غزنویان، زهرا. (۱۳۹۱). بررسی انسان‌شناختی تنوع فضایی مطلوب از منظر ساکنان خانه‌های شهری تهران، البرز و قزوین. *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*. ۲(۲)، ۲۹-۵۲.
لالمی، شیده. (۱۳۹۶). قصهٔ ساعی و بهجت‌آباد. *روزنامهٔ شهروند*، نهم خرداد.

لالمی، شیده. (۱۳۹۸). اسکان، برج‌های مسکونی. *دایره‌المعارف بزرگ اسلامی*، دسترسی در ۱۵ آذرماه ۱۴۰۳، <https://cgie.org.ir/fa/article>

مرتاض هجری، محمد؛ یزدان فر، سیدعباس؛ و حسینی، سیدباقر. (۱۴۰۰). بررسی روابط متقابل سبک زندگی و سازمان فضایی خانه؛ مورد مطالعه: خانه‌های مسکونی شهرستان رشت. *مطالعات معماری ایران*، ۱۰(۱۹)، ۱۹۳-۲۱۳.

مستأجران گورتانی، مسلم؛ و برکاتی، سیده آیدا. (۱۳۹۹). سیر تحول بلندمرتبه‌سازی در جهان بعد از جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵) از منظر مؤلفه‌های پایداری اجتماعی. *معماری‌شناسی*، ۳(۱۴)، ۱-۸

مقدسی، نگین سادات؛ خان‌محمدی، مرجان؛ صارمی، حمیدرضا؛ و حقیقت‌بین، مهدی. (۱۴۰۱). سنجش و بررسی تاب‌آوری کالبدی-محیطی و اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی، نمونهٔ موردی: کوی نوبنیاد (برج‌های آ.اس.پ). *گفت‌وگوهای طراحی شهری مروری بر ادبیات و نظریه‌های معاصر*. ۲(۲)، ۶۹-۹۶.

مهندسین مشاور پارت، (۱۳۸۹). *پیش‌نویس طرح تدوین ضوابط ساخت‌وساز ساختمان‌های بلندمرتبه در پهنه‌ها و زیرپهنه‌های مصوب و مجاز شهر تهران*. <https://noandishaan.com>

نامیان پریسا، پروا محمد، کشمیری هادی. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر سبک زندگی در طراحی مسکن معاصر شیراز. *سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، (۵)، ۱۳۰-۱۳۶.

وارثی، حمیدرضا؛ موسوی، میرنجف. (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر قیمت مسکن با استفاده از مدل هدانیک قیمت (مورد مطالعه: منطقه ۲ شهر یزد). *فصلنامهٔ جغرافیا و مطالعات محیطی*، (۳)، ۵-۱۲.

الهی‌زاده، محمدحسن؛ سیروس، راضیه. (۱۳۹۳). الگوسازی مسکن بر پایه سبک زندگی اسلامی. *فصلنامهٔ سبک زندگی دینی*، (۱)، ۳۵-۵۲.

Ashihara, T., Nishino, A., Lee, Y., Otsuki, T., Nishide, K., & Matsuda, Y. (2019). A study on changes in residential lifestyle and awareness of residents in a housing complex regeneration project. *Innovation in Aging*, 8(3), 251-253.

Beamish, J.O; Carucci Goss, R; & Emmel, J. (2001). Lifestyle influences on housing preferences. *Housing and Society*, 28(1-2), 1-28.

- Bourdieu, P. (1984). *Distinction: A social critique of the judgement of taste*. Harvard: Harvard University Press.
- Chaney, D. (2002). *Lifestyles*. London: Routledge.
- Evans, D., & Jackson, T. (2007). *Towards a sociology of sustainable lifestyles*. Guildford: University of Surrey.
- Jansen, S. J. (2011). Lifestyle method. In S. Jansen, C. Coolen, & R. Goetgeluk (Eds.), *The measurement and analysis of housing preference and choice* (pp. 177–202). Dordrecht: Springer.
- Kriese, U., & Scholz, R. W. (2012). Lifestyle ideas of house builders and housing investors. *Housing, Theory and Society*, 29(3), 288–320.
- Kwon, H., & Kim, S. (2017). Variation in the characteristics of everyday life and meaning of urban housing due to the transition of social structure: Focusing on articles published in lifestyle magazines. *Sustainability*, 9(8), 1-18.
- Latour, B. (2005). *Reassembling the social: An introduction to actor-network-theory*. Oxford: Oxford University Press.
- Lee, H. J., Carucci Goss, R., & Beamish, J. O. (2007). Influence of lifestyle on housing preferences of multifamily housing residents. *Housing and Society*, 34(1), 11–30.
- Rapoport, A. (1969). *House form and culture*. Hoboken: Prentice Hall.
- Rapoport, A. (1982). *The meaning of the built environment: A nonverbal communication approach*. New York: Sage Publications.
- Salama, A.M; Wiedmann, F; & Ibrahim, H.G. (2017). Lifestyle trends and housing typologies in emerging multicultural cities. *Journal of Architecture and Urbanism*, 41(4), 316-327.
- Zarrabi, M., Yazdanfar, S. A., & Hosseini, S. B. (2022). Usage of lifestyle in housing studies: A systematic review paper. *Journal of Housing and the Built Environment*, 37(2), 575–594.